

سَلَامُ اللّٰهِ عَلَيْهَا
نور فاطمه زهرا



کتابخانه دیجیتال
www.noorfatemah.org



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سیمای نماز

نویسنده:

استاد حسین انصاریان

ناشر چاپی:

حجت

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۸	سیمای نماز
۸	مشخصات کتاب
۸	پیشگفتار
۹	ارزش و عظمت نماز
۹	قسمت اول
۱۰	قسمت دوم
۱۱	نماز در آئینه ی حیات انبیا و امت ها
۱۱	توضیح
۱۲	ادریس و نماز
۱۳	ابراهیم و نماز
۱۳	اسماعیل و نماز
۱۴	شعیب و نماز
۱۵	موسی و نماز
۱۵	لقمان و نماز
۱۵	داود و نماز
۱۵	سلیمان و نماز
۱۶	یونس و نماز
۱۶	زکریا و نماز
۱۶	عیسی و نماز
۱۷	محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و نماز
۱۸	امت اسلامی و نماز
۱۹	نشانه های مؤمن

۱۹	 اشاره
۲۰	 آیات
۲۱	 روایات
۲۲	 نماز دریای بیکران منفعت
۲۵	 ارزیابی وضع بی نماز
۲۶	 موانع نماز
۲۸	 شرایط نماز
۳۰	 ترجمه نماز
۳۰	 توضیح
۳۱	 اللَّهُ أَكْبَرُ
۳۱	 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۳۲	 الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
۳۲	 اشاره
۳۳	 جهان کیهان
۳۴	 جهان نبات
۳۵	 جهان حیوانات
۳۵	 جهان انسان
۳۶	 الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
۳۶	 مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ
۳۸	 إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ
۳۸	 صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ
۳۸	 غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ
۳۹	 وَلَا الضَّالِّينَ
۳۹	 بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۹	قُلْ هُوَ اللَّهُ
۳۹	أَحَدٌ
۴۰	اللَّهُ الصَّمَدُ
۴۰	لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ
۴۰	وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ
۴۰	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ
۴۱	سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ
۴۱	سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ
۴۲	سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
۴۲	وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ
۴۲	اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
۴۲	السَّلَامَ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ
۴۲	السَّلَامَ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ
۴۳	السَّلَامَ عَلَيْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ
۴۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

سیمای نماز

مشخصات کتاب

سرشناسه : انصاریان حسین - ۱۳۲۳ عنوان و نام پدیدآور : سیمای نماز/ حسین انصاریان مشخصات نشر : اصفهان نشر حجت ۱۳۷۱.
 مشخصات ظاهری : ص ۱۷۴ یادداشت : کتابنامه ص ۱۷۴ - ۱۷۳؛ همچنین به صورت زیرنویس موضوع : نماز رده بندی کنگره :
 BP۱۸۶/۲ الف ۸۴س ۹ ۱۳۷۱ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۳۵۳ شماره کتابشناسی ملی : ۷۲-۴۸۰

پیشگفتار

نماز اساسی ترین رشته ی الفت و عالی ترین عامل محبت بین بندگان و حضرت حق است نماز نور دل و صفای قلب و روح جان و سلامت روان و فروغ ذات عباد صالح خداست . نماز واسطه ی محکمی است که تمام هستی انسان را به ملکوت هستی پیوند می دهد و به مانند آن ، برنامه ای را برای ربط دادن آدمی به حق و حقیقت نمی توان یافت . نماز پناه بی پناهان ، سنگر جهادگران ، گلستان روح افزای عاشقان ، چراغ سحر مشتاقان ، نور وجود عارفان ، آرامش دل بینایان ، و سیر کمالی آگاهان است . نماز زنده کننده ی جان ، ظهور دهنده ی حیات جاودان ، راز و نیاز دردمندان ، روشنی راه رهروان ، نور دیده ی بیداران ، سرمایه ی مستمندان ، دوی درد بی دردان ، نوای دل بی دلان ، دلیل گمراهان ، امید امیدواران ، سرّ حقیقی سحرخیزان ، سوز دل سوختگان ، حرارت روح افسردگان ، مایه ی بقای جان ، و دستگیری نجات انسان از تمام مهالک است . نماز برتر از همه ی عبادات ، جامع تمام کمالات ، منعکس کننده ی کلّ واقعیّات ، منبع برکات ، و کلید قفل تمام مشکلات است . نماز خمیر مایه ی حیات ، تزکیه کننده ی صفات ، علاج زشت ترین عادات ، آورنده ی حسنات ، تبدیل کننده ی سیئات ، باعث کرامات ، منبع فیض و افادات ، نگهدارنده ی انسان از حادثات ، مانع سانحات ، و حقیقت کائنات است . نماز عشق سالکین ، عبادتی آتشین ، کاری بی قرین ، بهترین معین ، خورشید اهل زمین ، مونس اصحاب دین ، امتیّت جان غمین ، و رحمت واسعه ی حضرت ارحم الراحمین است . نماز واقعیّتی روحانی ، امر واجب حضرت سبحانی ، نفخه ی رحمانی ، جان انسانی ، و نور یزدانی است . نماز هویت ایمان ، حقیقت جهان ، طریقت جان ، قدرت انسان ، و مایه ی بهشت و رضوان است . نماز چشمه ی زمزم روح ، ساغر معنوی صبح ، فتح الفتوح ، توبه ی نصوح ، حضرت حق را ممدوح ، اجمال قرآن را مشروح ، و در طوفان حوادث کشتی نوح است . بدون نماز خود را اهل حق و حقیقت بدان و رسیدن فیض خاص الهی را به سوی خود توقّع مدار . اکسیر وجود منهای نماز بی سود است ، بی خبران از نماز بی خردانند و فراریان از این مقام گرفتار دام شیطانند . ثروتمندان بی نماز فقیرند و تهیدستان با نماز از همه مستغنی تر . حقیقت و واقعیت همان است که عارف شوریده ی الوند ، حضرت باباطاهر ، فرموده : خوشا آنان که الله یارشان بی که حمد و قل هو الله کارشان بی خوشا آنان که دائم در نمازند بهشت جاودان بازارشان بی زمانی که برنامه ی نوشتن رساله ای در مسئله ی نماز به این فقیر پیشنهاد شد گمان نمی بردم با کثرت مشغله ای که در جهت تبلیغ و نوشتن شرح صفحه ی سجّادیه تحت عنوان دیار عاشقان و نیز امور اجتماعی داشتم ، بتوانم از عهده برآیم ، ولی توفیق حضرت ربّ رفیق راه شد تا در حدّ استعداد و توان به پژوهش در این حقیقت عظمیه ی الهیه برخیزم و آنچه را می توانم از کتاب الهی و گفتار معصومین در اختیار برادران و خواهران مسلمان بگذارم . اینک از تفصیل دادن مقدّمه چشم پوشیده و با مرکب عشق و شوق آماده ی پرواز به فضای لایتناهی این عرصه گاه معنوی می شوم تا نماز را در فصولی چند تقدیم محضر عاشقان و علاقمندان کنم ، باشد که نماز گزاران بیش از پیش به این عمل ملکوتی توجّه کنند ، و اگر کسی خدای ناخواسته جدای از نماز است بامطالعه ی این سطور به نماز روی کند و خویش را از خزی دنیا و عذاب آخرت برهاند . حسین انصاریان

ارزش و عظمت نماز

قسمت اول

بی تردید، در میان عبادات و مسائل معنوی و ملکوتی، نماز از ارزش و اهمیت خاصی برخوردار است. به اندازه ای که به نماز سفارش شده به چیزی سفارش نشده است. نماز وصیت حضرت حق، و انبیا و امامان، و عارفان و عاشقان، و ناصحان و حکیمان است. کتابی از کتاب های آسمانی حق خالی از آیات مربوط به نماز نیست. از برنامه های بسیار مهم کتاب های عرفانی و اخلاقی و مخصوصاً کتب حدیث، نماز است. معارف الهی، انسان بی نماز را انسان نمی دانند، و هر بی نمازی را مستحق عذاب ابد و محروم از بهشت دانسته و بلکه جدای از نماز را حیوانی پست و موجودی تهیدست و تیره بختی بیچاره به حساب می آورند. نماز در زندگی و حیات انسان به اندازه ای ارزش دارد که اولیای الهی برای یک لحظه از آن غافل نبودند و از هر راهی که ممکن بود دیگران را هم به این عبادت ملکوتی تشویق می کردند. نماز با این که به غیر مکلف واجب نیست ولی به خاطر ارزش و اهمیتی که دارد امامان معصوم دستور می دادند که فرزندان را از شش - هفت سالگی به جهان نماز ببرید و آنان را به سفر در این عرصه گاه معنوی تشویق کنید: * عَنْ مَعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) فِي كَيْفَ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: فِيمَا بَيْنَ سَبْعِ سِنِينَ وَ سِتِّ سِنِينَ (۱). معاویه بن وهب که از بزرگان اصحاب امام ششم است از حضرت باقر (عليه السلام) می پرسد: در چه زمانی کودکان خود را متوجه نماز کنیم؟ حضرت می فرماید: در هفت و شش سالگی. عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا (عليهما السلام) فِي الصَّبِيِّ مَتَى يُصَلِّي؟ قَالَ: إِذَا عَقَلَ الصَّلَاةَ. قُلْتُ: مَتَى يَعْقِلُ الصَّلَاةَ وَ تَجِبُ عَلَيْهِ؟ قَالَ لِسِتِّ سِنِينَ (۲). محمد بن مسلم که از یاران بی نظیر امامان است، از حضرت باقر یا حضرت صادق (عليهما السلام) می پرسد: کودک در چه زمانی نماز بخواند؟ حضرت می فرماید: وقتی که نماز را بفهمد. عرضه می دارد: چه زمانی می فهمد تا خواندن نماز بر او لازم باشد؟ امام می فرماید: در شش سالگی. عَنْ أَبِي الْحَلْبِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ قَالَ: إِنَّا تَأْمُرُ صَبْيَانَنَا بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي خَمْسِ سِنِينَ، فَمُرُوا صَبْيَانَكُمْ بِالصَّلَاةِ إِذَا كَانُوا بَنِي سَبْعِ سِنِينَ. حلبی از راویان بزرگوار شیعه است از امام صادق (عليه السلام) نقل می کند که حضرت از پدر بزرگوارشان امام باقر (عليه السلام) روایت می کنند که ما فرزندانمان را در سن پنج سالگی به نماز امر می کنیم، پس شما آنان را به وقت هفت سالگی به دنیای نماز حرکت دهید. روایات بسیار مهم کتاب های پرارزش حدیث از سبک شمردن نماز شدیداً نهی می کنند: عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: لَا تَتَهَاوَنَ بِصَلَوَتِكَ فَإِنَّ النَّبِيَّ (صلى الله عليه وآله وسلم) قَالَ عِنْدَ مَوْتِهِ: لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِصَلَوَتِهِ، لَيْسَ مِنِّي مَنْ شَرِبَ مُسْكِرًا، لَا يَرُدُّ عَلَى پاورقی ۱ - وسائل الشیعه: ج ۳ / ص ۱۲. ۲ - وسائل الشیعه: ج ۳ / ص ۱۲. ۳ - الحَوْضُ لَا - وَاللَّهِ (۱). امام باقر (عليه السلام) می فرماید: نماز را سبک شمار، به حقیقت که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به وقت مرگش فرمود: هر کس نماز را سبک انگارد از من نیست، هر کس شراب بنوشد از من نیست، و الله قسم کنار کوثر بر من وارد نمی شود. قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): إِنَّ شَفَاعَتَنَا لَا تَنَالُ مُسْتَحَفًّا بِالصَّلَاةِ (۲). امام صادق (عليه السلام) فرمود: آن که نماز را سبک بشمارد (و در نتیجه از خواندن آن محروم گردد یا همراه با شرایط بجا نیاورد) به شفاعت ما نمی رسد. * عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): لَيْسَ مِنِّي مَنْ اسْتَحَفَّ بِالصَّلَاةِ، لَا يَرُدُّ عَلَى الْحَوْضِ لَا وَاللَّهِ (۳). امام صادق (عليه السلام) از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) روایت می فرماید: از من نیست آن که نماز را سبک بشمارد، و الله سبک شمارنده ی نماز کنار کوثر بر من وارد نمی شود. قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) فِي حَدِيثٍ: إِنَّ مَلِكَ الْمَوْتِ يَدْفَعُ الشَّيْطَانَ عَنِ الْمُحَافِظِ عَلَى الصَّلَاةِ وَيُلْقِيهِ شَهَادَةً أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ فِي تِلْكَ الْحَالَةِ الْعَظِيمَةِ (۴). امام صادق (عليه السلام) در روایتی فرمودند: ملک الموت به هنگام قبض روح، شیطان را از آن که بر نمازش محافظت داشته دفع می کند تا

تواند به مسافر باایمان جهان آخرت ضرر برساند و در آن حالت هولناک، شهادت به توحید و رسالت را به او تلقین می کند. پاورقی ۱- وسائل: ۳/ ۲۰۱۵- وسائل: ج ۳/ ۳ ص ۱۶۰۳- وسائل: ج ۳/ ۳ ص ۱۶۰۴- من لایحضره الفقیه: ج ۱/ ۱ ص ۴۲. * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): لَا تُضَيِّعُوا صَلَواتِكُمْ فَإِنَّ مَنْ ضَيَّعَ صَلَواتَهُ حُشِرَ مَعَ قَارُونَ وَ هَامَانَ، وَ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ أَنْ يُدْخِلَهُ النَّارَ مَعَ الْمُنَافِقِينَ (۱). رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود: نماز خود را ضایع نکنید که ضایع کننده ی نماز با قارون و هامان محشور می شود، و بر خداوند لازم است او را همراه منافقان به آتش وارد کند. عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (عليه السلام) قَالَ: بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) جَالِسٌ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ دَخَلَ رَجُلٌ فَقَامَ يُصَلِّي فَلَمْ يَتِمَّ رُكُوعَهُ وَلَا سُجُودَهُ فَقَالَ (صلى الله عليه وآله وسلم): نَقَرَ كَنْفَرِ الْغُرَابِ! لَيْثٌ مَاتَ هَذَا وَ هَكَذَا صَلَواتُهُ لَيُمُوتَنَّ عَلَى غَيْرِ دِينِي (۲). امام باقر (عليه السلام) می فرماید: رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) با گروهی در مسجد نشسته بودند، مردی وارد مسجد شد و رکوع و سجود نمازش را ناتمام بجای آورد، به نحوی که وضع رکوع و سجودش نماز را از حیثیت نماز می انداخت. رسول خدا فرمود: نوک زد مانند نوک زدن کلاغ (کنایه از اینکه نمازش را عجیب با عجله خواند آن چنان که گویی نماز بنود)، چنان که مرد با چنین نمازی بمیرد با دین من نمرده است. * قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): أَوَّلُ مَا يُحَاسَبُ بِهِ الْعَبْدُ الصَّلَوةُ، فَإِنْ قَبِلَتْ قَبِلَ سَائِرَ عَمَلِهِ، وَإِذَا رُدَّتْ رُدَّتْ رَدُّ عَلَيْهِ سَائِرَ عَمَلِهِ (۳). امام صادق (عليه السلام) فرمود: اول برنامه ای که انسان به آن محاسبه می شود نماز است، اگر پذیرفته شود بقیه ی اعمال او نیز پذیرفته می شود، و اگر مردود گردد سایر اعمال او نیز مردود می گردد. پاورقی ۱- وسائل: ج ۳/ ۳ ص ۱۹۰۲- فروع کافی: ج ۱/ ۱ ص ۷۴۰۳- وسائل: ۳/ ۲۲. قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام): صَلَوةُ فَرِيضَةٍ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حِجَّةً، وَ حِجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَبًا يَتَصَدَّقُ مِنْهُ حَتَّى يَفْنَى (۱). امام صادق (عليه السلام) فرمود: یک نماز واجب از بیست حج بهتر است، و یک حج بهتر است از خانه ای که پر از طلا باشد و تمام آن در راه خدا به صدقه برود. عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) يَقُولُ: حِجَّةٌ أَفْضَلُ مِنَ الدُّنْيَا وَ مَا فِيهَا، وَ صَلَوةُ فَرِيضَةٍ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ حِجَّةٍ (۲).

قسمت دوم

یونس بن یعقوب می گوید: از حضرت صاد (عليه السلام) شنیدم که می فرمود: یک حج برتر است از دنیا و هر چه در آن است، و یک نماز واجب از هزار حج برتر است. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) قَالَ: إِنَّ تَارِكَ الصَّلَوةِ كَافِرٌ. از امام صادق (عليه السلام) روایت شده که فرمود: به حقیقت که ترک کننده ی نماز کافر است. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ (عليه السلام) عَنْ أَبِيهِ عَنْ جَابِرٍ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم): مَا بَيْنَ الْكُفْرِ وَالْإِيمَانِ إِلَّا تَرْكُ الصَّلَوةِ. امام صادق از حضرت باقر (عليهما السلام) از جابر از رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) روایت می کند که: بین کفر و ایمان جز ترک نماز چیزی نیست. مُحَمَّدُ بْنُ سَنَانٍ عَنْ عَلٍّ وَ فَلَاسَفِهِ يَسْأَلُ اللَّهَ مِنْ حَضْرَتِ رِضَا (عليه السلام) فِي ضَمَنِ يَكُ نَامَهُ سَوَّالٌ مِنْ كُنْدٍ، إِمَامِ هَشْتَمِ فِي پَاسِخِ بَهِ مَسْئَلَةِ يَ نَمَازِ مِنْ نَوِيسَنْدَ: * نَمَازِ اِقْرَارِ بَهِ رِبُوبِيَّتِ حَضْرَتِ حَقِّ عَزَّ وَجَلَّ، وَ نَفْيِ شَرِيكَ اَزْ وَجُودِ مَقْدَسِ اَوْ، وَ اِيسْتَادَنْ دَرِ پِيشْگَاهِ عَظَمَتِ اَنْ جَنَابِ بَا ذَلَّتْ وَ مَسْكَنتْ وَ خُضُوعِ پَاورْقِي ۱- فروع کافی: ج ۱/ ۱ ص ۲- وسائل: ج ۳/ ۲۶. وَ اعْتِرَافِ، وَ طَلَبِ اَمْرِزْشِ نَسَبِ بَهِ گَنَهاَنْ گَذاشْتَه، وَ صُورَتِ بَهِ خَاكِ نَهاْدَنْ دَرِ هَرِ رُوزِ بَرَا تَعْظِيْمِ دَرِ بَرابَرِ عَظَمَتِ اَنْ وَجُودِ مَبَارَكِ، وَ اِيْنَكِهْ عَبدِ بَهِ يادِ حَقِّ وَ جَدَايِ اَزِ تَجاوِزِ بَهِ حَقُوقِ الهِي وَ خاضِعِ وَ خاكسارِ وَ راغِبِ بَهِ رَحْمَتِ واسِعَه وَ خواهاَنْ زِيادِ شَدَنْ اِيْمانِ وَ وَسْعَتِ رِزْقِ وَ مَدَواْمَتِ بَرِ ذَكَرِ دَرِ شَبِّ وَ رُوزِ اسْتِ، وَ نِيْزِ عَبدِ سَيِّدِ وَ مَولا وَ مَدَبَّرِ وَ خالِقِشِ را فَرامُوشِ نَكَنْدَ تا دِچارِ شَرِّ وَ طَغيانِ نَگَرَدَد، وَ نِيْزِ بَهِ وَسِيْلَهْ يَ نَمَازِ اَزِ اَنْواعِ مَعْاصِي حَفْظِ گَرَدَدَ وَ اَزافْتادَنْ دَرِ دَرِيْايِ فِسادِ مَصُونِ بَمانَد (۱). دَرِ رَوايَتِ صَحِيْحِ بَسيارِ مَهمِّ اَزِ رَسولِ خُدا (صلى الله عليه وآله وسلم) رَوايَتِ شَدَهْ كِهْ فَرَمُودَ: * رُوزِي اَمِيْنِ وَحِي بَرايِ اِدايِ وَحِي بَهِ نَزْدِ مِنْ اَمَدِ. هَنُوزِ اَنْچَهْ را كِهْ بَايَدِ بَرِ مِنْ بَخِواَنْدِ تَماْمِشِ را نَخِواَنْدَهْ بُوَد كِهْ ناگَهاَنْ آوازي سَخْتِ وَ صَدايِي هَولِناكِ بَرآمَد. وَضْعِ فَرَشْتَهْ يَ وَحِي تَغْيِيْرِ كَرْدَ، پَرَسِيْدَم: اِيْنِ چَهْ

آوازی بود ؟ گفت : ای محمد ! خدای تعالی در دوزخ چاهی قرار داده ، سنگ سیاهی در آن انداختند ، اکنون پس از سیزده هزار سال آن سنگ به زمین آن چاه رسید . پرسیدم : آن چاه جایگاه چه کسانی است ؟ گفت : از آن بی نمازان و شرابخواران (۲) !! رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : * هر که نماز را ترک کند خدای تعالی او را به پانزده عقوبت مبتلا کند : شش عقوبت در دنیا و سه عقوبت نزدیک مرگ و سه در قبر و سه در قیامت ، اما شش عقوبت در زمان حیات : ۱. بی آبرو شود . ۲. برکت از مالش برود . پاورقی ۱ - علل الشرایع : ص ۱۱۴ . ۲ - اسرارالصلوة شیخ عبدالحسین تهرانی : ص ۳۱ . ۳. عمر و ثروتش زیان نگیرد . ۴. خیراتش قبول حق نشود . ۵. دعایش مستجاب نگردد . ۶. دعای شایستگان نصیب وی نشود . اما سه بلایی که نزدیک وفات به او می رسد : ۱. سكرات مرگ بر او شدید شود . ۲. گرسنه از دنیا برود . ۳. تشنگی از او رفع نشود . اما سه عقوبتی که در قبر به وی رسد : ۱. با درد و غم قرین باشد . ۲. در تاریکی محض بسر برد . ۳. تا قیامت در عذاب باشد . اما سه عقوبتی که در قیامت به او رسد : ۱. حساب بر وی دشوار شود . ۲. خداوند دشمن وی گردد و به او نظر رحمت نیندازد و او را عذاب دردناک رسد . ۳. از قبر همچون حیوان به قیامت وارد گردد و سپس با ذلت و خواری رهسپار دوزخ شود (۱) . * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) : لَا إِيْمَانَ لِمَنْ لَا صَلَوةَ لَهُ (۲) . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : آن که نماز ندارد ایمان ندارد . پاورقی ۱ - اسرارالصلوة : ص ۳۲ . ۲ - اسرارالصلوة : ص ۳۳ . وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) مَنْ أَحْرَقَ سَبْعِينَ مُضْجَعًا وَقَتَلَ سَبْعِينَ نَبِيًّا وَزَنَا مَعَ أُمِّهِ سَبْعِينَ مَرَّاتٍ وَافْتَضَّ سَبْعِينَ بَكْرًا بِطَرِيقِ الزَّانَا أَقْرَبُ إِلَى رَحْمَةِ اللَّهِ مِنْ مَنْ تَرَكَ الصَّلَوةَ مُتَعَمِّدًا (۱) . و نیز رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : کسی که هفتاد قرآن را بسوزاند و هفتاد پیامبر به قتل رساند و هفتاد مرتبه با مادر خود درآمیزد و هفتاد دختر را از طریق زنا تجاوز نماید به رحمت خداوند از کسی که عمداً نمازش را ترک کند نزدیکتر است . * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم) إِنَّ تَارِكَ الصَّلَوةِ لَا يَجِدُ رِيحَ الْجَنَّةِ . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : به حقیقت که تارک نماز بوی بهشت را استشمام نکند . روایاتی که در باب ارزش و عظمت نماز رسیده به اندازه ای است که اگر کسی بخواهد همه ی آنها را از معتبرترین کتاب های حدیث در یک جا جمع کند کتاب قطوری خواهد شد ، و من فکر می کنم به همین اندازه برای دریافت ارزش این عبادت ملکوتی برای خوانندگان این رساله بس باشد . در این قسمت لازم است این نکته ی مهم را تذکر دهم که عده ای تصور می کنند نماز حقیقتی است که در آیین محمدی و فرهنگ اسلامی بر مردم واجب شده ، در حالی که این تصور از هر جهت بدون پایه و ریشه است . نماز واقعی است که از هنگام شروع زندگی به وسیله ی حضرت آدم در کره زمین از جانب حضرت حق بر هر مکلفی واجب شد و این امر واجب به هر یک از صد و بیست و چهار هزار پیغمبر ابلاغ گشت تا آن را به امت های خود برسانند و آنان را به پاورقی ۱ - اسرارالصلوة : ص ۳۳ . نماز دعوت کنند و از ترک آن بترسانند . در قسمت بعد در به مسئله ی نماز در آیین انبیا از طریق قرآن و روایات می پردازیم تا معلوم شود این حکم با عظمت در پیشگاه حضرت حق از چه حیثیت و ارزشی برخوردار است .

نماز در آئینه ی حیات انبیا و امت ها

توضیح

تفسیر علی بن ابراهیم قمی در حدود قرن سوم هجری ، یعنی نزدیک به عصر امام حسن عسکری (علیه السلام) ، به رشته ی تحریر درآمده است . بزرگان از علمای امت اسلامی و دانشمندان وارسته ، امثال علامه ی طباطبایی صاحب تفسیر المیزان ، به این تفسیر اطمینان نموده و بسیاری از مطالب آن را در کتب فقهی و تفسیری و اخلاقی خود نقل کرده اند . نویسندگی تفسیر جناب علی بن ابراهیم (۱) در توضیح آیه ی شریفه ی (فَتَلَقَّى آدَمُ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ) (۲) روایتی را از قول پدرش ، از ابن ابی عمیر ، از ابان بن عثمان

، از امام ششم (علیه السلام) نقل می کند که با توجه به اینکه کتب رجالی شیعه از قبیل رجال کشی ، جامع الرواة اردبیلی ، قاموس الرجال شوشتري ، معجم الرجال خویی ، سندش را صددرصد معتبر دانسته اند ، نشان دهنده ی مسئله ی نماز در زمان حضرت آدم (علیه السلام) است ، برگردان فارسی روایت تا آنجا که لازم و نقطه ی شاهد است از نظر عاشقان نماز می گذرد : * آدم پس از بیرون آمدن از بهشت و هبوط به زمین ، چهل روز در کوه صفا واقع در نزدیک بیت حق اقامت داشت . آن روزها به خاطر دوری از مقام قرب و هبوط از مقام علم الاسمایی و از دست دادن جوار ملکوت و هجران بهشت پاورقی ۱ - تفسیر قمی : ۱ / ۴۴ - بقره (۲) : ۳۷ . وصال محبوب ، در حالی که صورت به خاک داشت همچون ابر بهاران سرشک از دیده می ریخت . امین وحی از جانب حضرت معبود - که جز لطف و محبت و احسان و مرحمت به بندگان ندارد - بر او نازل شد و سبب ناله ی جگرسوز و دلخراش او را پرسید . در پاسخ آن فرشته گفت : چرا ناله نکنم و اشک از دیده ندارم ؟ مگر نه این است که خدای عزیز مرا به خاطر بی توجهی به خواسته ی خود از مقام قرب رانده و از جوار رحمت خویش محروم نموده و مسکنم را در خاک دلت و بر غبار مسکنت قرار داده ؟ فرشته ی وحی بدو گفت : به پیشگاه لطف دوست برگرد و وجود خود را به زینت توبه بیارای . آدم گفت : چگونه توبه کنم و چه سان به سوی حق باز گردم ؟ خداوند مهربان چون اراده ی آدم را بر جبران گذشته راسخ دید ، قبه ای از نور که جایگاه بیت را مشخص می کرد و تابش نورش حدود جغرافیایی حرم را معلوم می نمود فرو فرستاد و به امین وحی فرمان داد محل بیت را نشانه گذاری کند . چون به وسیله ی آن روشنایی ، محل بیت و حدود حرم معلوم شد و این برنامه سامان گرفت ، فرشته ی وحی از آدم خواست آماده شود تا مراسمی را بجا آورده و دست نیاز به سوی بی نیاز برای بازگشت و توبه بردارد . روز ترویج شروع برنامه ای بود که از فرشته ی حق تعلیم می گرفت . پدر آدمیان به دستور فرشته ی حق غسل کرد و محرم شد و پس از انجام آن مراسم ، روز هشتم ذوالحجه به سرزمین منی رفت و دستور گرفت که شب را در آنجا بماند . صبح روز نهم در حالی که تلبیه می گفت به عرفات آمد . آفتاب عرفات از ظهر می گذشت . فرشته ی الهی به او گفت : از ادامه ی تلبیه خودداری کن و دوباره خود را به غسل بیارای . پس از اینکه نماز عصر را بجای آورد امین وحی به او گفت : در این سرزمین به پای خیز . چون به پا خاست کلماتی را که از خداوند برای توبه نازل شده بود به آدم تعلیم داد . از این روایت که علاوه بر تفسیر علی بن ابراهیم ، کتابهای دیگر اسلامی هم آن را نقل کرده اند استفاده می شود که حضرت آدم که اولین انسان از نوع ما بوده از جانب حضرت ربّ مأمور به نماز بوده است ، ولی اینکه چگونگی و کیفیت و شرایط و عدد رکعات و اوقات آن به چه صورت بوده بر ما پوشیده است و دانستن آن هم چندان سودی ندارد . آنچه اهمیت دارد این است که آدم برای بجا آوردن نماز مکلف و مسؤول بوده و آیین وی همراه با حکم نماز بود . کتاب باارزش بحارالانوار (۱) از کتاب پراعتبار تهذیب شیخ طوسی - آن فقیه والا و مفسّر بزرگ و محدّث خیری که علامه ی حلّی درباره ی او فرموده است : « من مردی در علم و عمل نظیر او نمی شناسم » - روایت می کند که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود : * به هنگامی که آدم از دنیا رفت و زمان نماز گزاردن بر او فرا رسید ، فرزندش هبه الله به امین وحی گفت : ای فرستاده ی حق ! پیشقدم شو تا بر جنازه ی آدم نماز گزارده شود . فرشته ی الهی پاسخ داد : خداوند جهان ما را بر به سجده بر پدرت امر کرد ، و هم اکنون در شأن ما نیست که بر نیکوترین فرزند وی مقدم شویم ، شما بر ما پیشی گیر و با پنج تکبیر - به مان صورت که بر امت محمّد (صلی الله علیه و آله وسلم) واجب خواهد شد - بر جنازه نماز بخوان . از آن پس آن نماز ، واجب شد بر جنازه ی فرزندان وی قبل از دفن ، نماز میت خوانده شود . با کمال تأسّف بسیاری از جوامع و امتهای از فرهنگ الهی دور شدند و به پرستش بتهای زنده و مرده دچار آمدند و به سبب نحسّی شرک و کفر از حقایق پاورقی ۱ - ج ۱۱ / ۲۶۰ . الهیه محروم گشتند و بدتر از هر چیز ، از نماز ، این فیض عظیم الهی ، بی بهره ماندند . زندگان آن جوامع بی نماز هستند و مرده هایشان بدون بدرقه ی نماز یا دفن می شوند و یا به آتش می سوزند .

علامه ی مجلسی از حضرت صادق (علیه السلام) روایت می کند : * به هنگام ورود در شهر کوفه از مسجد سهله دیدن کن و در آن جایگاه مقدّس نماز بگذار و حلّ مشکلات دینی و دنیایی ات را در آن مقام از حضرت بطلب ، زیرا مسجد سهله خانه ی حضرت ادریس است . انسان بزرگواری که در آنجا به پیشه ی خیاطی مشغول بود و نمازش را در آن جایگاه اقامه می کرد . آری ! آن کس که در آنجا دست نیاز به سوی بی نیاز بردارد بی جواب نمی ماند و در قیامت در کنار ادریس از مقام بلندی برخوردار خواهد بود و به خاطر عبادت و اظهار نیازمندی در آن مسجد ، از ناراحتی های دنیایی و شرّ دشمنان در پناه حق قرار خواهد گرفت (۱) . طبرسی بزرگوار در مجمع البیان (۲) حضرت ادریس را از قدیمی ترین پیامبران خدا و جدّ پدری نوح می داند . عنایت کنید که حضرت ادریس که قبل از نوح می زیسته فرهنگش همراه نماز بوده و مکان اقامه ی نمازش چندان مقدّس و مبارک است که حضرت صادق (علیه السلام) دعای دعا کننده را در آن مقام مستجاب می داند . پاورقی ۱ - بحار الانوار : ج ۱۱ / ص ۲۸۰ . ۲ - ج ۶ / ص ۵۱۸ . نوح و نماز بحار الانوار ، این اولین کتاب بی نظیر و ارزشمند ، از حضرت باقر (علیه السلام) روایت می کند : * پرستش خدای یگانه و اخلاص به پیشگاه او و بی همتا دانستن حق ، که خداوند فطرت مردم را بر آن قرار داده است اصول آیین نوح بود . پروردگار بزرگ از نوح و همه ی انبیا پیمان گرفت که او را فرمان ببرند و از شرک دوری جویند ، و نیز خدای مهربان حضرت نوح را به نماز و امر به معروف و نهی از منکر و رعایت حلال و حرام دعوت کرد (۱) .

ابراهیم و نماز

ابراهیم بزرگ - که از او تحت عنوان بت شکن ، قهرمان توحید ، پدر انبیا ، اوّاه ، حلیم ، صالح ، مخلص ، مخلص ، موّحد و بینای ملک و ملکوت یاد می شود - به فرمان حضرت حق ، هاجر و فرزند شیرخواره اش اسماعیل را از شام حرکت داد و به دالالت پروردگار راه پیمود تا به جایگاه کعبه رسید . پس آن طفل شیرخوار و مادرش را بنا به خواست خداوند در آن سرزمین بی آب و علف با مختصری طعام و پیمانه ای از آب پیاده کرد !! سپس از همسر مهربان خداحافظی کرد و اراده ی بازگشت نمود . در این وقت هاجر دامن ابراهیم را گرفت و عرضه داشت : چرا می روی و به کجا خواهی رفت ؟ ما را در این دشت هولناک و زمین بی آب و علف به که وامی گذاری ؟ ابراهیم التماس هاجر را نادیده گرفت و با آرامشی که خاصّ عاشقان و اولیای خداست به هاجر فرمود : اینکه تو و این طفل گرسنه را در این بیابان می گذارم پاورقی ۱ - بحار الانوار : ۱۱ / ۳۳۱ . فرمان اوست . هاجر چون این آهنگ گرم و دلپذیر را شنید به جای خود بازگشت و در برابر حکم حکیمانه ی حق تسلیم شد و پیش خود گفت : اگر ماندن من با این کودک در این بیابان وحشتناک خداست باک ندارم ، زیرا همو حافظ و نگهبان من و کودک من است . ابراهیم عزیز بازگشت . گو اینکه فراق فرزند که تنها چراغ زندگی او بود قلبش را سخت می فشرد ، اما ایمان او به خداوند نیز او را از آن منطق با کمال آرامش و اطمینان دور می ساخت و در حالی که مرکب به جلو می راند دست به سوی حق برداشت و چنانکه قرآن مجید می فرماید ، عرضه داشت : * (رَبَّنَا إِنِّي أَسِيَكُنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بَوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ) (۱) . پروردگارا ! من زن و فرزند خود را در بیابانی خشک و سوزان در کنار خانه ی تو قرار دادم پروردگارا ! برای این که نماز به پای دارند . ابراهیم بزرگوار به نقل از قرآن مجید درخواستهای بسیار مهمی از حضرت حق داشت . خداوند مهربان تمام دعاها ی ابراهیم را اجابت فرمود ، که از جمله ی درخواستهای آن مرد بزرگ یکی این بود : * (رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ) (۲) . پروردگارا ! من و فرزندانم را به پادارنده ی نماز قرار ده و درخواست مرا به پیشگاه لطف و عنایت پذیر . پاورقی ۱ - ابراهیم (۱۴) : ۳۷ . ۲ - ابراهیم (۱۴) : ۴۰ .

اسماعیل و نماز

کتاب الهی درباره ی حضرت اسماعیل می فرماید : * (وَادْكُزْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا * وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِ مَرْضِيًّا) (۱) . اسماعیل را به یاد آر که دارای اوصاف پسندیده بود : وفادار به پیمان ، فرستاده ی حق ، حبر دهنده ی از حقایق ، و امر کننده ی زن و فرزند به نماز و زکات ، و بنده ای بود که خداوند در تمام برنامه ها از او خشنود بود . اسحاق و یعقوب و انبیای از ذریه ی ابراهیم و نماز در زمینه ی امر حضرت حق به نماز ، به عباد شایسته اش حضرات اسحاق و یعقوب و سایر انبیای از ذریه ی ابراهیم در قرآن کریم می خوانیم : * (وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً وَكُلًّا جَعَلْنَا صَبَاحِينَ * وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَابِدِينَ) (۲) . ما به ابراهیم ، اسحاق و فرزندان او یعقوب را عطا کردیم و همه را صالح و شایسته و لایق مقام نبوت قرار دادیم ، و آنان را به پیشوایی خلق برگزیدیم تا مردم را به امر ما هدایت کنند ، و هر کار نیکو از انواع عبادات و خیرات مخصوصاً اقامه ی نماز و ادای زکات را به آنان وحی کردیم ، و اینان برای ما بندگان سربه فرمان بودند . پاورقی ۱ - مریم () : ۵۴ - ۵۵ . ۲ - انبیا () : ۷۲ - ۷۳ .

شعیب و نماز

مردم مدین مردمی فاسد و طاغی و یاغی و متجاوز به حقوق حق و خلق بودند . خداوند بزرگ حضرت شعیب را در میان آنان مبعوث به رسالت فرمود ، تا آنان را از گمراهی و ضلالت نجات دهد . تعالیم ملکوتی و آسمانی شعیب را حضرت حق بدین صورت بیان می فرماید : * (وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُم مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ وَلَا تَنقُصُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَاكُمْ بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيط * وَيَا قَوْمِ أَوْفُوا الْمِكْيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخُسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْمَآرِضِ مُفْسِدِينَ * بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِخَفِيضٍ) (۱) . برای هدایت و راهنمایی مردم مدین برادرشان شعیب را فرستادیم . او به مردم مدین از جانب حضرت حق چنین گفت : ای جامعه ! خدای جهان آفرین را بپرستید ، زیرا جز او خدایی نیست ، و آنچه را به وسیله ی پیمانه و ترازو به مردم می فروشید از آن کم مگذارید . من خیر شما را به شما نشان می دهم . چرا می خواهید از راه تقلب و خیانت به ثروت خود بیفزایید ؟ من شما را از عذاب روز فراگیر می ترسانم ، های ای ملت ! پیمانه را پر بدهید ، جنس ترازویی را بدون کم گذاشتن به مشتری ارائه کنید ، و از گناه و تجاوز به حق مردم دست بردارید . مردم مدین ! بی تردید آنچه خداوند در سایه ی مقرراتش بر شما حلال دانسته به بفع شماست اگر اهل ایمان هستید . من قدرت بازداشتن شما را از تجاوز ندارم ، وظیفه ی من تبلیغ برنامه های خداست و بس . پاورقی ۱ - هود (۱۱) : ۸۴ - ۸۶ . تعالیم شعیب ضامن خیر دنیا و آخرت مردم بود ، ولی جامعه ی مدین در برابر شعیب و دلسوزیهای او موضع سختی گرفتند و نخواستند هدایت حق را بپذیرند و دست از هوا و هوس و شهوت و دنیاپرستی بردارند . و عجیب اینجاست که تمام برنامه ها و تعالیم آن بزرگمرد الهی را نتیجه ی نماز شعیب می دانستند و به این معنا علم داشتند که نماز ، باز دارنده ی نماز گزار از هر فحشا و منکری است . آنان به شعیب گفتند : * (قَالُوا يَا شُعَيْبُ أَصِلاتُكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرُكَ مَا يَعْْبُدُ آبَاؤُنَا أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ) (۱) . (ای شعیب ! ما در پرستش معبودهای پدران خود ثابت قدمیم و در برنامه های مالی خود آزاد ، و از هر راهی که بخواهیم ثروت به چنگ می آوریم و به هر صورت که اراده کنیم می فروشیم) . ای شعیب ! به نظر ما آنچه تو را تحریک کرده که ما را از آیین نیاکانمان برگردانی و مسیر خرید و فروش ما را عوض کنی نماز توست . به راستی تعجب آور است که با ما سر ستیزداری در حالی که ما تو را مرد بردبار و درستی می دانیم . آری ! نماز رشد دهنده و هدایتگر و بازدارنده ی از فحشا و منکرات و فساد بود ، اما مردم شهوت پرست مدین نمی خواستند در چنین حصن حصینی داخل شوند و دایره ی حیات را با این دژ محکم و حصار مستحکم از شر شیاطین و خطرات مصون و محفوظ بدارند . پاورقی ۱ - هود (۱۱) : ۸۷ .

موسی و نماز

حضرت کلیم الله که از انبیای اولوالعزم است، مورد عنایت خاص حضرت محبوب بود. یاد آن حضرت و اوصاف حمیده ی او در قرآن مجید زیاد آمده است. او زمانی که که به هدایت حضرت حق، در مسیر مدین و مصر به وادی سینا و منطقه ی طور رسید، برای اولین بار طنین دلربای صدای معشوق را بدین گونه شنید: * (يَا مُوسَى * إِنِّي أَنَا رَبُّكَ فَاخْلَعْ نَعْلَيْكَ إِنَّكَ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى) (۱۲) «وَأَنَا اخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَى * إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي» (۱). * ای موسی! من پروردگار تو هستم، کفش از پای بیرون کن (از همه چیز جز من قطع علاقه نما)، چون هم اکنون در وادی مقدسی. من تو را به مقام شامخ رسالت برگزیده ام، بنابراین به آنچه به تو وحی می شود گوش فرا ده: منم خدای یکتا، خدایی که جز من نیست، پس مرا اطاعت کن و در مسیر عبادت من قرار گیر و نماز را به خاطر یاد من به پای دار. آری! نماز که همراه با شرایط ظاهری و باطنی اقامه شود یاد حضرت محبوب را در دل زنده می سازد و حاکمیت آن یاد را در اعمال و اخلاق می گستراند و امنیتی همه جانبه در قلب ایجاد می کند به طوری که انسان از شرّ شیاطین در مصونیت الهی می رود و از برکت آن امتیت، سعادت دنیا و آخرت آدمی تضمین می شود. پاورقی ۱- طه () : ۱۱- ۱۴. * (أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ) (۱). آگاه باشید! با یاد خدا دلها آرامش و امتیت یابد. چون امتیت به وسیله ی نماز با شرایط و عبادت با حال، حکومتش را در عرش قلب برقرار کرد، به هنگام مرگ و سفر به آخرت، دارنده ی قلب مطمئن مخاطب به خطاب حضرت حق می شود و آن وقت، مردن برای انسان از غسل شیرین تر می گردد: * (يَا أَيَّتُهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ ارْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً * فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي) (۲). ای صاحب نفس با آرامش! به پروردگارت برگرد در حالی که راضی هستی و از تو خوشنودند، پس در عباد من وارد شو و به بهشت در آی.

لقمان و نماز

آن بزرگمرد الهی که بر اثر تزکیه ی نفس و جهاد فی الله، از جانب حق وجود با برکتش چشمه ی جوشان حکمت الهی شد، در سفارشاتش به فرزند خود می فرماید: * (يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزَمِ الْأُمُورِ) (۳). ای پسر! نماز را به پای دار و در جامعه اقدام به امر به معروف و نهی از منکر پاورقی ۱- رعد () : ۲۸. ۲- فجر () : ۲۷- ۳۰. ۳- لقمان () : ۱۷. کن و در برابر حوادث بردبار و صبور باش، که تحمل و صبر در راه ارشاد مردم نشانه ای از عزم ثابت مردم بلند همت است.

داود و نماز

علّامه ی مجلسی دانشمند کم نظیر شیعه در توضیح آیاتی که در رابطه ی با حیات با برکت داود است، روایاتی درباره ی فضایل و محاسن و کثرت عبادات و مناجات داود، به خصوص عشقی که از پیامبر بزرگ به نماز داشت، نقل می کند: * آن حضرت در خانه ی خود محرابهای متعددی قرار داده بود تا در جای جای منزلش نماز اقامه کند. او اوقاتش را به چهار مرحله تقسیم کرده بود: روزی را برای حلّ مشکلات مردم، روزی را برای زن و فرزندش، روزی را برای دعا و مناجات در دل کوهها و کنار دریا، و روزی را برای انس با محبوب در خلوت منزل و در کنار محراب عبادت. امام صادق (علیه السلام) می فرماید: در حالی که در محراب عبادتش مشغول نماز بود، خداوند مهربان با وی سخن می گفت (۱).

سلیمان و نماز

کتاب ارزشمند ارشاد دیلمی روایت می کند: * لباس سلیمان لباسی بس عادی بود، در حالی که سلطنت و حکومت و مالی که در اختیارش بود برای احدی از گذشتگان و آیندگان مقرر نشد. پاورقی ۱ - بحار الأنوار: ۱۴ / ۲۰. او شبهای خو را به نماز تمام می کرد، در حالی که همچون چشمه ی جوشان بهاری از دیده اشک می ریخت. آن حضرت اداره ی امور معاشش از طریق زحمت بازوی خودش بود (۱). علمای اهل سنت در تفسیر آیات ۳۰ تا ۳۳ سوره ی ص متمایل به این معنا شده اند که سلیمان در بازدید از اسبهای آماده برای جنگ از نماز عصرش غافل شد و به وقت غروب آفتاب متوجه از دست رفتن نماز گشت و به این خاطر به غم و غصه ی شدیدی دچار آمد آن گاه خداوند قادر آفتاب را برای او برگرداند تا نماز عصرش را در ظرف معین و قتش بجای آورد! امیرالمؤمنین (علیه السلام) و حضرت باقر (علیه السلام) نظر کعب الاحبار و علمای اهل سنت را مردود دانسته و دامن حیات باعظمت سلیمان را در تمام عمر از قضا شدن یک نماز پاک می دانند. در روایات شیعه آمده است که نماز سلیمان از اول وقت به تأخیر افتاد، و به این جهت سخت ملول شد. حضرت حق آفتاب را به وقت عصر برگرداند تا آن مرد بزرگ الهی و آن پیامبر معصوم نمازش را به وقت فضیلتش ادا نماید (۲). آری! بر اساس معرف اسلامی - البته معارف ملکوتی و باارزشی که شیعه نقل کرده است - حیات انبیای حق از هر عیب و نقصی حتی قبل از مبعوث شدن مبرا بوده است و پیامبری نبوده که در عین آن همه زحمت و رنج روزانه، نمازی از نمازهایش قضا شده باشد.

یونس و نماز

پاورقی ۱ - بحارالانوار: ۱۴ / ۸۳. ۲ - بحارالانوار: ۱۴ / ۹۸ - ۱۰۳. آن عبد شایسته ی حق سالها مردم نینوا را به عبادت حق و دست شستن از شرک و کفر و گناه دعوت کرد، ولی مردم در برابر تعالیم الهی او تکبر ورزیدند و با وی به مخالفت برخاستند تا جایی که آن حضرت را از هدایت خود ناامید ساختند، و آن جناب از حضرت ربّ جهت نابودی قوم نینوا نفرین نمود و سپس آنان را رها کرده و به جایی رفت که مردم به او دسترسی نداشته باشند. چون به منطقه بازگشت زندگی مردم را عادی یافت، معلوم شد جامعه ی نینوا به پیشگاه حق برگشته و عذاب را با قدرت و قوّت توبه از خود دور کرده اند. پس، با خشم و غضب منطقه را ترک کرد و چنانکه می دانید از میان امواج دریا در شکم ماهی جای گرفت. خداوند علت نجاتش را از آن زندان مهلک چنین بیان می فرماید: * (فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ * لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) (۱). پس اگر او اهل تسبیح نبود، هر آینه تا قیامت در شکم ماهی مانده بود. در مجمع البیان از قول مفسر بزرگ قتاده آمده است که منظور از تسبیح و ستایش یونس نماز بود (۲).

زکریّا و نماز

قرآن مجید در باب نماز زکریّا می فرماید: * (هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ * فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنْ يَسْرٍ) (۱). در آن هنگام که زکریّا عنایات حق را نسبت به مریم مشاهده کرد، عرضه داشت: پروردگارا! مرا از لطف خویش فرزندانی پاک سرشت عطا فرما، همانا تو اجابت کننده ی خواسته ی بندگانی. زکریّا در حالی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود فرشتگان به او بشارت دادند که همانا خداوند ترا به ولادت یحیی مژده می دهد، فرزندی که به پیامبری عیسی گواهی خواهد داد و خود نیز در راه هدایت مردم پیشوا و پارساست و نزد پیامبری از شایستگان است.

عیسی و نماز

داستان عیسی و مادرش مریم که دارای مقام عصمت و طهارت بود، از عجایب مسائل روزگار است. خداوند مهربان برای نشان دادن قدرت خود، و برای عبرت دیگران و در جهت هدایت امتها به طور مکرر به واقعه ی عظیمه ی این پسر و مادرش در قرآن مجید اشاره فرموده است. از عجایب حیات عیسی سخن گفتن او در گهواره پس از ساعاتی چند از ولادت است که در آن گفتار، حقایق الهیه را برای مردم بازگو کرد و به خصوص به این معنا اشاره فرمود که من مأمور به نماز: * (قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ آتَانِيَ الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا * وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَمَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا دُمْتُ حَيًّا * وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا * وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا) (۲). پاورقی ۱ - آل عمران () ۳۸ - ۳۹ . ۲ - مریم () ۳۰ - ۳۳ . عیسی در گهواره گفت: همانا من بنده ی خدایم، به من کتاب آسمانی عنایت شده و به شرف نبوت آراسته ام و هر کجا باشم برای جهانیان مایه ی برکت و رحمتم. من تا زنده ام دستو دارم نماز را به پای دارم و زکات مال پیردازم. من مأمورم به مادر نیکی کنم و از شقاوت دورم. سلام حق بر من روزی که به دنیا آمدم و روزی که می میرم و روزی که در قیامت مبعوث می شوم ..

محمد (صلی الله علیه وآله وسلم) و نماز

مسائلی که در باب نماز در آیین رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) مطرح است در هیچ فرهنگی مطرح نبوده است. نماز در اسلام محمّدی حقیقتی جامع و واقعیتی کامل است که در پرتو آن انسان به آداب الهی مؤدّب می شود و طریق رشد و کمال و عرفان و طریقت و عشق و حقیقت را می پیماید. نماز در آیین محمّد (صلی الله علیه وآله وسلم) بال پر قدرتی است که اگر با شرایط مخصوص به خودش انجام بگیرد، انسان را تا مقام قرب و وصال محبوب ابدی و معشوق سرمدی پرواز می دهد. عارفان عاشق و واصلان کامل می فرمایند: نماز معجونی است که حضرت شارع حکیم آن را ترتیب فرموده و به لطف عمیم خود ترکیب نموده است. مشخص است که هر جزء آن مبتنی بر حکمتی، و مقتضی سّری و مصلحتی است، و هویدا و مبرهن است که افضل اعمال بنی آدم سجده کردن است. چنانکه صریح اخبار و صحیح اعتبار بر آن ناطق و شاهد است، صادق از آنکه اعضای سبعة را در آن حال مصلی بر خاک گذارده و مجمع الثورین که اشرف جوارح است بر زمین مالد و به زبان نیاز به درگاه کریم کارساز بنده نواز نالد. در حدیثی بسیار مهم از قول رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) آمده است: * إِنَّمَا الْعِلْمُ ثَلَاثَةٌ: آيَةُ مُحْكَمَةٍ، أَوْ فَرِيضَةٌ عَادِلَةٌ، أَوْ سُنَّةٌ قَائِمَةٌ... (۱). آیه ی محکمه تفسیر به توحید و معرفه الله شده، و فریضه ی عادله به اخلاق و تزکیه ی نفس معنا گشته، و سنّت قائمه به فروع شریعت محمّدی تبیین شده است. نماز معجونی است که اجزاء آن از این سه علم ترکیب گشته و جامعه ای است که از این سه رشته دوخته شده و حقّه ای است که در آن این سه گوهر نفیس اندوخته گشته و صدفی است که این سه لؤلؤ نایاب را در بر دارد و منبعی است که این سه چشمه از آن منفجر گردد، و این همه در رابطه با نماز اسلام محمّدی است. اما اشتغال نماز بر توحید، آن است که افتتاح نماز با تکبیر الاحرام است و مفهوم تکبیر، توحید ذات و نفی صفات است، و بلند کردن انگشتان دهگانه که هر یک دلیل و نشانه ای بر صفات جلالیه و جمالیّه است که انسان به هنگام راه یافتن به نماز باید متوجه این معانی بلند آسمانی و مفاهیم جانانه ی ملکوتی باشد. اما اشتغال نماز تزکیه ی اخلاق به این است که طهارت بر دو نوع است: طهارت ظاهر از خبائث و احداث، و طهارت باطن از ذمایم اخلاق. و چنانکه تطهیر ظاهر، شرط صحت نماز است، همچنان تطهیر باطن نیز شرط قبولی این عبادت الهیه است. و اشتغال نماز بر سنّت قائمه از این جهت است که نماز اشرف عبادات و افضل طاعات است و در فروع، هیچ عملی با آن برابری نمی کند. پاورقی ۱ - کافی: ۱ / ۲۴. آری! نماز اسلام محمّدی سراپا آداب الهی و مسائل تربیتی و حقایق ملکوتی و واقعیّات آسمانی است. با چنین نمازی است که انسان به معراج مربوط به خودش می رسد و به دریای نور سرمدی متصل می گردد، چنانکه در روایات معتبره از قول معصومین علیهم السلام آمده است: * قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (صلی الله علیه وآله وسلم): إِذَا قَامَ الْعَبْدُ إِلَى الصَّلَاةِ الْمَكْتُوبَةِ مُقْبِلًا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِقَلْبِهِ وَ سَمْعِهِ وَ بَصِيرَةٍ وَ انْصِرَافٍ وَقَدْ خَرَجَ مِنْ دُنُوبِهِ

كَيَوْمَ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ . رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : زمانی که عبد به نمازهای واجب برخیزد و با قلب و گوش و چشم به سوی حضرت حق رود ، پس از پایان نماز از گناهانش همچون روز ولادت از مادر بیرون رفته است . در روایت بسیار مهم دیگر آمده است : * چون عبد به نماز برخیزد ، حجاب بین او و حق برداشته می شود و حضرت محبوب با وجه کریم با او روبرو می گردد . ملائکه از دو طرفش تا انتهای آسمان صف بسته و با او نماز می گزارند و دعایش را آمین می گویند و تمام جوارح و اعضای بدن و هر آنچه در اطراف اوست تسبیح میگویند (۱) . در روایات معتبر آمده : * الصَّلَاةُ نُورُ الْمُؤْمِنِ (۲) . نماز روشنائی انسان با ایمان است . * الصَّلَاةُ نُورٌ (۳) . پاورقی ۱ - اسرار الصلوة تهرانى / ۲۴ . ۲ - اسرار الصلوة / ۲۴ - ۲۸ . ۳ - اسرار الصلوة / ۲۴ - ۲۸ . نماز نور است . * أَفْضَلُ الْأَعْمَالِ بَعْدَ الْإِيمَانِ الصَّلَاةُ (۱) . برترین کارها پس از ایمان نماز است . * الصَّلَاةُ كَفَّارَاتٌ لِلْخَطَايَا (۲) . نماز کفاره ی گناهان است . * الصَّلَاةُ مِعْرَاجُ أُمَّتِي (۳) . نماز معراج امت من است . * الصَّلَاةُ أَوَّلُ وَقْتِهَا رِضْوَانٌ وَ آخِرُهَا غُفْرَانٌ (۴) . نماز اول وقت حشودی حق ، و آخر وقت آمرزش الهی است . * عَلَّمَ الْإِيمَانَ الصَّلَاةُ . نشانه ی ایمان نماز است . * الْمَصِيْلَى يُتَاجَى رَبَّهُ . نماز گزار با پروردگارش مناجات می کند . از رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت شده : * چون عبد رو به قبله کند از برای نماز به اخلاص تمام ، و نیت کند و بگوید : « اللَّهُ أَكْبَرُ » ، بیرون آید از گناه چنانکه از مادر زاده شده ، و چون بگوید : « أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ » به هر تار مویی که بر تن او باشد خدای تعالی ثواب یک سال عبادت در دیوان اعمال او نویسد ، و چون فاتحه و سوره پاورقی ۱ - اسرار الصلوة / ۲۴ - ۲۸ . ۲ - اسرار الصلوة / ۲۴ - ۲۸ . ۳ - اسرار الصلوة / ۲۴ - ۲۸ . ۴ - اسرار الصلوة : ۲۴ - ۲۸ . بخواند چنان بود که یک حج و عمره بجا آورده ، و چون رکوع کند و تسبیح بگوید چنان باشد که به وزن خود زر سرخ صدقه باشد و همانند آن است که تمام کتاب های خدا را خوانده باشد ، و چون بگوید : « سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ » خداوند مهربان به نظر رحمت به وی نگاه کند ، و چون سجده کند و تسبیح گوید حضرت حق ثواب پیامبران روزی او نماید ، و چون تشهد گوید خداوند او را ثواب صابران دهد ، و چون سلام دهد و فارغ شود خدای کریم درهای بهشت را به روی او باز کند پس ، از هر دری که بخواهد ، بی حساب وارد رضوان حق می شود (۱) . در آیات قرآن مجید به شخص رسول اسلام امر به نماز شده که این امر واجب و لازم متوجه تمام مرد و زن و امت هم هست : * (وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ طَرَفِي النَّهَارِ وَ زُلْفًا مِنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّاكِرِينَ) (۲) . و نماز را در دو طرف روز و نیز در ساعت تاریکی شب به پا دار ، که البته خویهای شما زشتی و بدکاریتان را نابود می سازد . این حقیقت یادآوری است برای یادکنندگان . * (أَقِمِ الصَّلَاةَ لِدُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى عَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا) (۳) . نماز را اول زوال آفتاب تا نیمه ی شب بجا آر ، و نماز صبح را نیز بجای آر که آن نماز به حقیقت مشهود نظر فرشتگان شب و روز است . پاورقی ۱ - اسرار الصلوة : ۲۷ . ۲ - هود () : ۱۱۴ . ۳ - اسراء () : ۷۸ . قرآن مجید به رسول اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) دستور می دهد که اهل بیت خود را به نماز امر کن و بر این مسئله استقامت نما : * (وَ أَمُرُ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَ أَصْطَبِرْ عَلَيْهَا لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا نَحْنُ نَرْزُقُكَ وَ الْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَى) (۱) . تو اهل بیت خود را به نماز امر کن و بر این حقیقت صبور و شکیبا باش . ما از تو روزی کسی را نمی طلبیم ، بلکه به تو و دیگران روزی می دهیم ، و عاقبت نیکو مخصوص پرهیزکاری و تقواست . مسئله ی نماز به اندازه ای مهم است که جداگانه به زنان پیامبر در امر به نماز می فرماید : * (وَ أَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَ آتِينَ الزَّكَاةَ وَ أَطِعْنَ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ) (۲) . و « ای زنان رسول من ! » نماز به پا دارید و زکات مال به فقیران دهید و امر خدا و رسولش را اطاعت کنید .

امت اسلامی و نماز

نماز از نظر اهمیت و ارزش در حدی است که حضرت احدیت کسی را از آن استثنا نفرموده و نخواستہ احدی از بندگانش از این فیض عظیم و از این منبع برکت که سودش ابدی و نفعتش در دنیا و آخرت سرمدی است محروم بماند . به همین خاطر همان طور

که به تمام امت های قبل از بعثت رسول اسلام امر به نماز فرمود ، فرد فرد مرد و زن و امت اسلام را نیز به این فریضه ی الهیه و حقیقت پاورقی ۱ - طه () ۱۳۲ . ۲ - احزاب () ۳۳ . ملکوتیه دعوت کرد و آنان را به انجام این عمل بزرگ عبادی مأمور فرمود : * (فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا) (۱) . پس « ای بندگان من و ای امت اسلام ! » نماز را با شرایط لازم بجای آورید ، که نماز برای اهل ایمان حکمی واجب و فریضه ای لازم و حتمی است . * (وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ) (۲) . و نماز به پای دارید و زکات پردازید و با اهل عبادت خدا را عبادت کنید . * (وَانْأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوا وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ) (۳) . این که نماز به پای دارید و تقوای الهی پیشه کنید ، و اوست خدایی که به سویش محشور می شوید . * (حَافِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَى وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ) (۴) . بر تمام نمازها بخصوص نماز میانه (صبح یاظهر) محافظت داشته باشید و به اطاعت از حضرت حق قیام کنید . * (فَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ) (۵) . پس نماز به جای آورید و زکات پردازید و به حضرت الله چنگ بزنید که او مولای شماست . * (وَاقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَافْرِضُوا لِلَّهِ قَرْضًا حَسَنًا) (۶) . و نماز به پای بدارید و زکات مال ادا کنید و به خداوند قرض الحسنه بدهید . پاورقی ۱ - نساء () ۱۰۳ . ۲ - بقره () ۴۳ . ۳ - انعام () ۷۲ . ۴ - بقره () ۲۳۸ . ۵ - حج () ۷۸ . ۶ - مزمل () ۲۰ . این است قسمتی از اوامر حضرت محبوب نسبت به نماز که نشان می دهد نماز در پیشگاه او از چه ارزش و اهمیتی برخوردار است . امید است هیچ مرد و زنی در امت اسلام خود را از این فیض ملکوتی محروم نسازد و در وقت مرگ با دست خالی از این سرمایه ی ابدی به ملاقات حق نرود .

نشانه های مؤمن

اشاره

قرآن مجید و کتاب های اصیل حدیث برای انسان مؤمن ارزش و عظمتی قائلند که برای چیزی در آفرینش ، پس از خدا و انبیا و ائمه ، به این اندازه ارزش قائل نیستند . مؤمن ماه آسمان حیات ، خورشید عالم معنی ، و نور زمین و آسمان است . * قَالَ النَّبِيُّ (صلى الله عليه وآله وسلم) : مَثَلُ الْمُؤْمِنِ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ ، وَإِنَّ الْمُؤْمِنَ أَعْلَى عِنْدَ اللَّهِ مِنْ مَلِكٍ مُقَرَّبٍ (۱) . رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) فرمود : مؤمن نزد خداوند همانند ملک مقرب است ، و به حقیقت که مؤمن نزد خدای بزرگ از ملک مقرب بالا-تر است . * إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ (صلى الله عليه وآله وسلم) نَظَرَ إِلَى الْكَعْبَةِ فَقَالَ : مَوْجِبًا بِالْبَيْتِ مَا أَعْظَمَكَ وَمَا أَعْظَمَ حُرْمَتَكَ عَلَى اللَّهِ ! وَاللَّهِ لِلْمُؤْمِنِ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنْكَ لِأَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ مِنْكَ وَاحِدَةً وَمِنَ الْمُؤْمِنِ ثَلَاثَةٌ : مَالُهُ وَدَمُهُ وَإِنْ يُظَنَّ بِهِ ظَنُّ السُّوءِ (۲) . در روایت آمده که رسول خدا (صلى الله عليه وآله وسلم) به کعبه نظر فرمود و این چنین به خانه ی حق خطاب کرد : آفرین به بیت الهی ، چه عظیم است قدر و منزلت تو و حرمتی که نزد خدای داری ! به خدا قسم مؤمن احترامی عظیم تر از تو دارد ، پاورقی ۱ - مستدرک سفینه البحار : ۱ / ۱۶۷ . ۲ - مستدرک سفینه البحار : ۱ / ۱۶۸ . چرا که خداوند برای تو یک حرمت قرار داده و برای مؤمن سه حرمت : حرمت در مال و در خون و آبرو که نباید به او گمان بد برد . * قَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام) : الْمُؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ (۱) . امام صادق (عليه السلام) فرمود : مؤمن حرمتی بزرگتر از کعبه دارد . این چنین انسان های والا و با عظمتی دارای خصوصیات و ویژگی هایی هستند که نشان دهنده ی اعتقاد آنان به خدا و روز قیامت و بیان کننده ی طهارت ظاهر و باطن آنهاست . قرآن و روایات به خصوصیات و نشانه های مردم مؤمن اشاره دارند تا از جهتی چهره ی ملکوتی آنان را به جامعه ی انسانی بشناسانند و از جهت دیگر درس و پندی برای مردم باشد تا آن نشانه ها را در وجود خود تحقق بخشند . در میان نشانه ها و خصوصیات مردم مؤمن نماز جایگاه مخصوصی دارد و شاید بتوان گفت نماز در رأس تمام خصوصیات مردم مؤمن پس از ایمان به خدا و روز قیامت است . این رساله اگر بخواهد از هر آیه و روایتی فقط قسمت مربوط به نمازش را بیاورد ، شاید از چهره ی زیبای

روایات

حضرت باقر (علیه السلام) به جابر جعفی که از بزرگترین راویان حدیث و مورد توجه امامان معصوم بود فرمود: * آیان کسی که خود را به تشیع ببندد و اظهار دوستی ما کند برایش بس است و این بستگی و اظهار علاقه، تنها عامل نجات اوست؟ به خدا قسم! شیعه‌ی ما کسی است که به خاطر حق، خود را از گناه حفظ کند و از برنامه‌های الهی پیروی نماید. شیعیان ما به تواضع، خشوع، امانتداری، بسیار یاد حق کردن، پیا داشتن نماز، نیکی به پدر و مادر، رسیدگی به حال همسایگان، دستگیری از فقیر و نیازمند و بدهکار و یتیم، راستگویی، خواندن قرآن، و نگاهداری زبان از آزار مردم شناخته می‌شوند. [۵۹] - کسی که از این اوصاف بی بهره است شیعه نیست. شیعه کسی امین قبیله‌ی خویش است (۱). * پیامبر بزرگوار به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: برای مؤمن سه خصلت است: روزه، نماز، زکات (۲). * رسول با عظمت الهی به ابوذر فرمود: خداوند بزرگ روشنی دیده‌ام را در نماز قرار داده است. همچنان که محبوب گرسنه طعام و معشوق تشنه آب، محبوب من نماز است. ای ابوذر! گرسنه را طعام سیر می‌کند و تشنه را آب سیراب می‌سازد، ولی من از نماز سیر نمی‌شوم (۳). * حضرت باقر (علیه السلام) فرمود: سه برنامه به انسان درجه می‌بخشد، و سه مسئله برای آدمی کفاره است و سه گناه هلاک کننده و سه خصلت نجات دهنده. آنچه باعث درجه است: ۱. سلام بر مردم. ۲. سیر کردن گرسنه. ۳. نماز شب. آنچه باعث کفاره است: ۱. وضوی کامل در شدت سرما. ۲. حاضر شدن در جماعات روز و شب. ۳. توجه شدید به نمازهای یومیه. پاورقی ۱ - کافی: ۲ / ۶۰. ۲ - بحارالانوار: ۷۷ / ۶۴. ۳ - بحارالانوار: ۷۷ / ۷۷. اما سه عامل هلاکت: ۱. سوء ظن به حق. ۲. پیروی از هوای نفس. ۳. خودبینی. اما سه خصلتی که مایه‌ی نجات است: ۱. ترس از مقام حق در نهان و آشکار. ۲. رعایت میانه روی به هنگام غنا و فقر. ۳. گفتار به عدالت به وقت خشنودی و خشم (۱). * حضرت صادق (علیه السلام) می‌فرماید: شیعیان ما را دوازده خصلت است: پاکدامنی، کوشش در راه حق، زهد، ادای امانت، وفای بعهده، بندگی حق، پنجاه و یک رکعت نماز واجب و نافله، شب زنده داری، روزه، پرداخت زکات، حج بیت، اجتناب از تمام گناهان (۲). * حضرت رضا (علیه السلام) فرمود: خویشتندار باشید و به پاکدامنی روی آورید، از کوشش در راه حق باز نایستید، امانت مردم را به مردم بازگردانید، راستگو باشید، و با همسایگان خوش رفتاری کنید، اینها برنامه‌هایی است که رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) به خاطر آن مبعوث به رسالت شد. در قبیله‌ی خود نماز بخوانید تا الگوی آنان شوید، به اقوام رسیدگی کنید، از مریض عیادت نمایید، از تشیع جنازه غفلت نورزید، برای ما در میان مردم آبرو باشید، از این که با دیدن شما نسبت به ما بدبین شوند پرهیزید، ما را در پاورقی ۱ - بحارالانوار: ۷۸ / ۱۸۳. ۲ - صفات الشیعه‌ی صدوق: حدیث ۱. جامعه یا عمل خود محبوب جلوه دهید و از این که با دیدن شما با ما دشمن شوند دوری کنید، عشق و علاقه‌ی جامعه را متوجه ما سازید و نارواییها را از ما دفع کنید. آنچه خوبی درباره‌ی ما بگویند اهل آنیم و هر چه بدی نقل نمایند از آن مبرا و پاک هستیم. شکر مخصوص خدای جهانیان است (۱). در هر صورت نماز، امر و دستور و خواسته‌ی حضرت حق است و هر آن کس که از این دستور سرپیچی کند سزایش عذاب ابد در روز محشر است. اهمیت و عظمت امر و خواسته، بسته به وجود امر کننده است. هر چه آمر با شخصیت تر باشد امرش مهمتر و وجود فرمانبری از آن امر شدیدتر است. به راستی بزرگتر و عظیم تر از حضرت حق کیست؟ وجودی که هستی او بی نهایت در بی نهایت، و ذات مقدسش مستجمع جمیع صفات کمالیه است. امری مافوق امر حضرت او کدام است؟ کارفرمای هستی به هر چه امر کند امرش مافوق امرهاست و اطاعت از دستورش در شدت و وجوب. او در امر و خواسته اش مصالح همه جانبه‌ی مکلف را لحاظ می‌کند، پس سود پیروی از امرش بازگشت به خود انسان دارد، و در صورت سرپیچی، زیانش برای خود آدمی است نماز امر خداست، نگوید او احتیاج به نماز ما ندارد، از سخن حق اراده‌ی باطل نکنید، بلکه بگویید این ما هستیم که سراپا نیازمند به عبادت حقیق. نماز خواسته‌ی حضرت مولاست، مولای حکیم، عادل، مصلحت خواه، رحیم، رحمان، رب، ودود، کریم، غفور و ... پیروی از امر او بر همه کس واجب است و نتیجه اش خشنودی حق و بهشت عبرسرسشت

، و سرپیچی از خواسته اش باعث خشم و سخط است و مورث پاورقی ۱ - بحارالانوار : ۸۷ / ۳۴۸ . عذاب ابدی در عالم آخرت . نماز برنامه ای است که در قرآن مجید به طور مکرر به آن امر شده و در سایه ی اجرای این امر است که سود همه جانبه نصیب انسان می شود . برپاداشتن نماز ، حیات آدمی را از تمام آلودگی ها پاک و دست شیاطین را از عرصه گاه زندگی کوتاه می سازد . به همین منظور همه ی ما از جانب حضرت محبوب مکلف به نماز هستیم و مأمور اجرای این عبادت عظیمه و این حقیقت ملکوتیه و در هر صورت خداوند متعال و تمام انبیا و همه ی امامان (علیهم السلام) و کل عارفان و عاشقان و صاحب‌دلان و ناصحان و دلسوزان ، ما را به نماز امر کرده و از همه ی ما اجرای این وظیفه را خواسته اند . در قرآن مجید است : * نماز را به پای دارید ، زکات مال بپردازید و در عبادت حضرت دوست با خداپرستان حقیقی دمساز شوید(۱) . * به یاد آرید آن هنگام را که از شما بنی اسرائیل پیمان گرفتیم که جز خدا را ستایش و بندگی نکنید و در حق پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران نیکی نمایید و با زبان خوش با مردم سخن گوید و نماز را به پای دارید و زکات مال بپردازید . ولی شما گروه یهود ، جز عده ای معدود پیمان شکستید و از عنایت حق روی گردانیدید(۲) . عجب نداری از حال مردمی که گفتند : به ما اجازه ی جنگ بده . بدانها گفته شد : اکنون از جنگ خودداری کرده به وظیفه ی نماز و زکات قیام کنید (چون پاورقی ۱ - بقره (۲) : ۴۳ - بقره (۲) : ۸۳ . هنوز مردم مسلمان آمادگی برای جنگ ندارد) ولی وقتی حکم به جهاد برای جنگ بدر آمد گروهی بیش از آنچه باید از خدا بترسند از دشمن ترسیدند و گفتند : الهی ! چرا حکم جنگ را بر ما واجب کردی تا از عمر خویش بی بهره شویم ؟ به اینان بگو : زندگی دنیا متاع اندکی است و جهان آخرت برای هر کس که خدا ترس باشد بهتر است . در جهان محشر زندگی کامل و ابدی است و به هیچ کسی از شما ستم نخواهد شد(۱) . * آن گاه که از نماز فارغ یافتید ، باز در همه حال - چه ایستاده ، چه نشسته ، چه به پهلو ، - خدا را یاد کنید و برنامه های حق را در زندگی حاکم سازید ، و چون از آسیب دشمن به هنگام نبرد ایمن گشتید نماز را به پای دارید که نماز برای اهل ایمان حکمی قاطع و برنامه ای واجب است(۲) . * بگو ما پیامبران مأموریم که به جامعه بگوییم نماز را بپا دارید و خویشندار باشید ، زیرا به سوی خدا حرکت می کنید و نزد او محشور خواهید شد(۳) . * نماز را در دو طرف روز به پای دارید و در تاریکی شب بجای آورید که حسنات سیئات را از بین می برد . این حقیقت را برای متذکران متذکریم(۴) . * نماز را به هنگام زوال خورشید تا نیمه شب به پا دار و نیز نماز صبح را بجای آر که مشهود فرشتگان شب و روز است(۵) . در دو آیه اخیر (هود : ۱۱۴ و اسراء : ۷۸) بر خلاف آنچه بین قشری از پاورقی ۱ - نساء () : ۷۷ - ۲ . نساء () : ۱۰۳ - ۳ . انعام () : ۷۲ - ۴ . هود () : ۱۱۴ . ۵ - اسراء () : ۷۸ . مسلمانان مشهور است که نماز را حتماً باید در پنج وقت بجای آورد ، سه وقت تعیین شده است که در این سه وقت باید پنج نماز بجای آورد : ۱ . زوال آفتاب یعنی ظهر تا ابتدای غروب ، یک وقت برای دو نماز ظهر و عصر که فقه از این دو نماز تعبیر به « ظهرین » می کند(۱) . ۲ . غروب آفتاب تا چهار رکعت مانده به طلوع فجر صادق ، زمان و وقت دوم برای دو نماز مغرب و عشاء است که باز فقه اسلام از هر دو نماز تعبیر به « عشاءین » می کند . ۳ . طلوع فجر تا دو رکعت مانده به طلوع آفتاب ، وقت سوم است برای نماز صبح . بنابراین ، از قرآن مجید برای نمازهای واجب پنج گانه سه وقت استفاده می شود که با هفده رکعت نمازهای واجب را که در پنج قسمت اعظم تنظیم شده در امتداد سه وقت بجای آورد . البته مقداری فاصله بین ظهر و عصر و مغرب و عشا از فضیلت بیشتری برخوردار است . در سوره های نور : ۶۵ ، عنکبوت : ۴۵ ، روم : ۳۱ . احزاب : ۳۳ و جمعه : ۹ نیز اوامر مؤکد و قاطعی برای برپا داشتن نماز صادر شده که هر یک از این آیات نشانه عظمت و موقعیت و موقف نماز در پیشگاه حق و در میدان حیات انسان است . پاورقی ۱ - شرح لمعه چاپ جدید : ۱ / ۱۷۹ .

نماز دریای بیکران منفعت

نویسنده این رساله مختصر از نظر فکری و علمی ، قدرت و توان بیان منافع را ندارد . نمازی که برنامه های ظاهر و باطنش همراه با

چهار هزار مسئله است و تا کنون صدها کتاب از طرف عارفان و فقیهان و حکیمان و فیلسوفان و وارستگان و عاشقان درباره آن نوشته شده، چگونه در قدرت این فقیر تهیدست است که تمام منافع دنیوی و اخروی آن را بازگو کند؟ من در این فصل به طور بسیار مختصر و بدون شرح و تفسیر به منافع نماز اشاره می کنم و شما را در این زمینه به کتاب های مفصل ارجاع می دهم. در قرآن مجید می خوانیم: * (وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّهَا لَكَبِيرَةٌ إِلَّا عَلَى الْخَاشِعِينَ) (۱). از خدای بزرگ در سایه بردباری و استقامت و نماز یاری جوید. این مسئله جز برای اهل خشوع سنگین است. راستی چه مسئله با عظمت و چه حقیقت ریشه داری است، آن هم مسئله ای که از جانب حضرت حق مطرح شده و تجربه حیات امت اسلامی نیز آن را ثابت کرده است: بردباری و صبر یکی از علل مهم پیروزی بر سختیها، و نماز کلیدی برای حل بسیاری از مشکلات. پاورقی ۱ - بقره (۲): ۴۵. دانشمند بزرگ شیخ الرئیس ابوعلی سینا می فرماید: هر زمان مشکلی عملی در ضمن مطالعه شبانه برایم پیش می آمد و از حل آن عاجز می شدم به مسجد جامع شهر رفته دو رکعت نماز بجا می آوردم، سپس از خدا می خواستم مرا به وسیله نور آن نماز مدد کند تا گره از مشکل باز شود. آری! پس از بیرون آمدن از مسجد مشکلم حل می شد و به اندک زمانی به آنچه می خواستم می رسیدم (۱). شهر قم از قحطی ناله داشت، زمان خشک شده بود، باغات در شرف انهدام بود، مردم از سختی معیشت می نالیدند، عوامل مادی از حل مشکل عاجز بودند، دولت زمان درمانده بود، ملت همه چاره ای نداشت. تنها راهی که برای نزول باران وجود داشت یکی از دستورهای مهم اسلامی بود: نماز باران! کمتر کسی به خود جرأت می داد به این مهم اقدام کند و به وسیله نماز، از آسمان باران بیاورد. دلی می خواست آکنده از یقین، روحی می خواست ملکوتی که بتواند با توان الهی و با بجای آوردن نماز باران، به جنگ طبیعت برود. آن کس که با کمال اطمینان جرأت قدم نهادن به این میدان را به خویش داد مرجع بزرگ آن زمان مرحوم آیه الله العظمی حاج سید محمد تقی خوانساری بود. من در سنّ سه سالگی، آن مرد کم نظیر را در منزل پدر مادرم دیده بودم. آن انسان ملکوتی دست به سرم گذاشت و برایم دعا کرده بود که من در آینده از عمرم روحانی خدمتگزاری برای اسلام و مسلمین شوم، و امروز آنچه دارم از دعای آن فرشته عالم معناست. او بارها غرق در اسلحه در میدان جنگ با استعمار در عراق شرکت کرده بود. پاورقی ۱ - روضات الجنات: ۳ / ۱۷۱. او برای احقاق حقوق اسلام و مسلمین پافشاری عجیبی داشت. حضرتش با جمعیت زیادی، با چشم گریان و دل بریان و سروپای برهنه، به سوی منطقه خاک فرج قم حرکت کرد. این واقعه در زمانی اتفاق افتاد که در جنگ دوم جهانی متفقین در شهر قم قوای نظامی داشتند و از نزدیک ناظر اوضاع بودند. ارتش کفر که تصوّر می کرد این جمعیت برای درگیری آمده خود را آماده دفاع کرده بود، ولی وقتی از داستان باخبر شد غرق در تعجب گشت که مگر ممکن است با عملی به نام نماز از آسمان باران آورد؟! اما دعای آن انسان والا و نماز آن مرد الهی اثرش را بخشید و همچون سیل از آسمان باران نازل شد و این مسئله به عنوان خبری مهم و اعجاب انگیز به سراسر جهان مخابره گردید. این واقعه بر سنگ قبر آن آیت حق در شهر قم در مسجد بالاسر حضرت معصومه و در تواریخ آن زمان ثبت شده است. * ای اهل ایمان! برای پیشرفت کار خود مقاومت کنید و به ذکر خدا و نماز توسّل جوید که خداوند یاور بردباران است (۱). * ای رسول من! آنچه از کتاب آسمانی به تو وحی می شود بر مردم بخوان، و نماز را که عبادتی است بزرگ برپای دار، که همانا نماز اهلش را از هر کار زشت و منکری باز می دارد، و به حقیقت که یاد خدا بزرگتر است، و پروردگار پاداش اعمال را از نظر دور نمی دارد (۲). بی شک، بین نماز گزار و بی نماز در تمام برنامه های ظاهر و باطن فرق است. نماز گزار به خاطر وجوب نمازهای یومیّه ناچار است از تمام آلودگی های ظاهر پاورقی ۱ - بقره (۲): ۱۵۳. ۲ - عنکبوت (۱): ۴۵. در درجه اول و سپس از آلودگی های باطن خود را حفظ کند تا شرایط صحت و قبولی تحقّق یابد. نماز گزار بر خود لازم می داند که طهارت بدن و لباس را به خاطر نمازهای یومیّه به طور مرتب حفظ کند، و می داند که به خاطر مباح بودن مکان و لباس و آب وضو و غسل و خاک تیمم باید از بسیاری از فحشا و منکرات از قبیل دزدی کم فروشی، غش، در معامله، غصب، تقلّب در خرید و فروش، حيله در

کار، ربا، معامله حرام، خوردن مال مردم به باطل، به دست آوردن ثروت از طریق زور و تجاوز، و کمک به ظلم و ظالم کناره گیری کند تا بتواند دو رکعت نماز صحیح و قابل قبول بجای آورد. نمازگرا واقعی می داند که با لباس حرام، آب و خاک غیر مباح، مکان غصبی، و شکم پر از حرام نمازش پذیرفته نیست. نماز عمود دین و عماد اسلام است. اگر این عبادت پرفیض به درستی انجام شود، نمازگزار را از جمیع رذایل و آلودگی ها پاک می سازد و از هر زشتی و ناپسندی باز می دارد. نکته مهمی که نباید ناگفته بماند این است که در جمیع احکام عبادی اسلام، رام کردن نفس سرکش، و از میان بردن خودخواهی و تکبر، و اتّصاف به فضیلت تواضع و خشوع و جود و سخا و کرم و شرف، و حفظ تمام حقوق خالق و مخلوق لحاظ شده است. امیرالمؤمنین (علیه السلام) خطبه غزایی به نام قاصعه « یعنی تحقیر کننده متکبران » دارد که در آن زیانهای کبر و مفسد این خوی زشت را به تفصیل بیان کرده و از مناسک حج، سپس از نماز و روزه و زکات بام برده و بیان فرموده که چگونه این عبادت تکبر را نابود می سازد. کمتر کسی توجه دارد که تشریع حکم زکات که به طور مرتب با آیات نماز [۷۱] - همراه است از بین برنده تکبر و آورنده تواضع است. ولی پس از اندک تأملی روشن می شود که این حکم، فقرا را با اغنیا شریک می سازد و به آنان تسلط در اموال توانگران می بخشد. و این شرکت دادن فقرا با اغنیا از عظمت و علو مقام اغنیا و ذلت و حقارت تهیدستان می کاهد و فاصله بین محروم و منعم را از بین می برد، تا چه رسد به نماز که نمازگزار گاه در پیشگاه عظمت پروردگار بی حرکت می ایستد و گاه کمر بندگی خم می کند و در آخر با شکستگی و فروتنی و حقارت و پستی، اعضا و جوارح گرامی حتی صورت و پیشانی خود را بر خاک می ساید و با این اعمال با نفس خود جهاد می کند و غرور و تکبر را محو می سازد و تواضع و تذلل را به اثبات می رساند. و البته یک دین جامع و کامل باید باشد. خودخواهی منشأ و منبع همه مفسد است. نخست و در ابتدای کار، باید اصل و ریشه عموم بیماریهای روحی را چاره کرد. همچنان که اساس همه ترقیات معنوی و روحی و اصلاحات فردی و اجتماعی، خداشناسی و خداپرستی است، خودخواهی و خودپرستی منبع همه بدبختی ها و مفسد است. خودخواه و خودپرست نمی تواند خداجوی و خداپرست بشود، پس امید صلاح و اصلاحی نباید از او داشت. نمازگزار واقعی خدا را دوست می دارد و عاشق دلباخته محبوب حقیقی است و خدا نیز او را دوست خود می خواند. آیا دوستی خدا با عشق مفرط به مادیت محض که اصل هر گناه و خطاست جمع می شود؟ نمازگزار یک بار بسم الله و بار دیگر در سوره حمد خدا را به دو صفت رحمان و رحیم می ستاید و اگر از نمازش غافل نباشد قهراً در کسب این صفت خدایی و تخلق به اخلاق الهی خواهد کوشید و در نتیجه، مهربان ترین مردم خواهد شد و از قساوت و سنگدلی و بیرحمی و بی مهری برکنار خواهد ماند. نمازگزار می داند که خداوند در کتابش خطاب به تمام پیامبران فرموده که اول [۷۲] - حلال تناول کنید، سپس قیام به عبادت نمایید (۱) نمازگزار می داند که رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: * خداوند را در فضای بیت المقدس فرشته ای است که هر شب ندا می دهد: هر کس از مال حرام بخورد مستحب و واجبی از او پذیرفته نمی شود (۲). و می داند که آن حضرت فرمود: * کسی که لباسی را به ده درهم خرید، اگر در پول آن لباس درهمی از حرام باشد، خداوند در آن لباس نمازی را نخواهد پذیرفت (۳). نمازگزار به این معنا توجه دارد که داود (علیه السلام) به حضرت حق عرضه داشت: * الهی! ای خداوند مهربان! ساکن بیت تو کیست و نماز را از چه بنده ای قبلو می کنی؟ جواب آمد: کسی که به خاطر جلال من تواضع کند و روزش را به یاد من بگذراند، به خاطر من از شهوات حرام دوری جوید، گرسنه را سیر کند، غریب را پناه دهد، به حادثه دیده رحم نماید. این چنین انسانی در مملکت ملکوت همانند خورشید می درخشد و من دعایش را مستجاب می کنم، آنچه از من بخواهد به او عنایت می نمایم، عدم تحمّلش را می بخشم، در غفلت چراغ راهش می شوم، در تاریکی نورش گشته دستش را می گیرم. او میان مردم مانند فردوس در بین بهشتهاست که نهراهایش همیشگی و میوه هایش بی تغییر است (۴). نمازگزار حتماً به این معنی توجه دارد که حضرت صادق (علیه السلام) فرمود: * کسی که دوست دارد بدانند نمازش قبول است یا نه، ملاحظه کند که آیا پاورقی ۱ - مؤمنون (۲۳): ۵۱. ۲ - محجّه البیضاء: ۳ / ۲۰۴. ۳ - محجّه البیضاء

۳ / ۴۲۰۴ - محجة البیضاء : ۱ / ۳۵۲ . نمازش او را از فحشا و منکرات باز می دارد یا نه . به اندازه ای که نمازش قدرت حفظ او را از مفسد دارد به درگاه حق قبول است (۱) . جامعه نمازگزار جامعه ای است پاک ، و کشور با نماز کشوری است سعادتمند . در مملکتی که همه اهل نمازند ، از ظلم و تجاوز و بغی و فحشا و منکرات و فساد و قساوت و بدبینی و بی اعتباری و دزدی و چپاول خبری نیست . در آن مرز و بوم که مردمش متوسل به نمازند از دادگستریهای عریض و طویل و پرونده های جنایی اثری نیست . در آن آب و خاک که سایه نماز بر سر ملت آن است از نزاع و جدال و جنگ و خونریزی و طلاق و جدایی و هجوم به ناموس ملت و بی حجابی سراغی نگیرید . کشور با نماز ، مأمور مسلح برای حفظ مال مردم و راحت و امتیث خانواده ها نمی خواهد در ملتی که حقیقت نماز حکمفرماست بحثی از زندان و زندانبان نیست ، بدهکار مال مردم را می دهد ، و طلبکار آسایش و امنیت دارد . در جامعه با نماز خون و مال و عرض و آبروی مردم محترم است و این نماز است که ضامن خیر دنیا و آخرت انسان هاست . کشور با نماز نمونه ای از بهشت آخرت ، و ملت بی نماز دچار انواع بدبختی ها و مفسد است . نماز چراغ پرفروغ حیات ، آرام بخش قلب ، معشوق مناجاتیان ، عرصه گاه خوشبختی اهل حق ، نور چشم مشتاقان جمال ، وسیله قرب مقربان و دستگیره نجات امیدواران است . پاورقی ۱ - المیزان : ۱۶ / ۱۳۸ .

ارزیابی وضع بی نماز

کتاب الهی و روایات اصیل اسلامی درباره مردم بی نماز ، یا آنان که این مسئله مهم ملکوتی را سبک فرض می کنند ، نظریاتی دارند که به قسمتی از آنها در حدی که لازم است اشاره می شود : * ای اهل ایمان ! با آن دسته از اهل کتاب و کافران که دین شما را به بازیچه گرفتند دوستی برقرار مکنید و اگر خود را مؤمن می دانید از خدا بترسید . آری ! چون شما ندای نماز بردارید آن را مسخره و بازی فرض می کنند . علتش بی خبری آنان از حقایق اصیل عالم است... رسول من ! بگو : آگاه سازم کدام قوم را نزد خدای منتقم بدترین پاداش است : کسانی که خدا بر آنان لعن فرستاد و نسبت به آنها غضب کرد و آنان را به صورت میمون و خوک مسخ نمود ، و آن کس که بندگی حق را رها کرد و به عبادت شیطان روی آورد ، در پیشگاه خدا از بدترین منزلت برخوردار است . اینان گمراه ترین مردم از راه الهی هستند (۱) . در این آیات ، مردم جدای از ایمان و نماز ، ملعون و مغضوب حق معرفی شده اند و به آنان وعده عذاب سخت روز قیامت داده شده است . * آنان که پس از خداپرستان ، رشته زندگی را به دست گرفته و در میدان پاورقی ۱ - مائده () : ۵۷ - ۶۰ . زودگذر زندگی نماز را ضایع و از شهوات پیروی نمودند ، بزودی کیفر گمراهی خویش را خواهند دید (۱) . * بندگانی که در بهشت الهی غرق نعمت اند از دوزخیان مجرم می پرسند : به خاطر چه برنامه ای به جهنم افتادید ؟ پاسخ می دهند : از نماز گزاران نبودیم ، از پافشاران را طعام ندادیم ، با اهل باطل به بطالت نشستیم ، و روز قیامت را تکذیب کردیم (۲) !! حضرت صادق (علیه السلام) از رسول الهی (صلی الله علیه وآله وسلم) روایت می کند : * کسی که نماز را سبک انگارد به خدا قسم در کنار حوض بر من راه ندارد (۳) . و نیز آن حضرت از پیامبر بزرگوار روایت می کند : * شیطان تا زمانی که مردم به نمازهای واجب یومیّه و ادایش در وقت اهمیت می دهند ترسناک است و آه و ناله دارد ، اما زمانی که نماز را ضایع کنند آنان را به راحتی در بدبختی های بزرگ می کشاند . رسول خدا (صلی الله علیه وآله وسلم) فرمود : * لا حَظَّ فِی الْإِسْلَامَ لِمَنْ لَا صَلَوةَ لَهُ (۴) . آن که نماز ندارد از اسلام بهره ندارد . و نیز فرمود : پاورقی ۱ - مریم () : ۵۹ . ۲ - مدثر () : ۴۰ - ۴۶ . ۳ - بحار الانوار : ۸۳ / ۴ . ۴ - اصرار الصلوة تهرانی : ۳۳ - ۳۴ . * لِكُلِّ شَيْءٍ آفَةٌ وَ آفَةُ الدِّينِ تَرْكُ الصَّلَاةِ (۱) . برای هر چیزی آفتی است که آن را نابود می کند و آفت دین ترک نماز است . ابو بصیر می گوید : * برای تسلیت گفتن به سبب شهادت حضرت صادق (علیه السلام) به خانه آن جناب رفتم ، اُم حمیده چون مرا دید به سختی گریست ، من هم گریه کردم . سپس گفت : اگر امام را هنگام مرگ می دیدی تعجب می کردی ، دیده گشود و گفت : تمام خویشان مرا جمع کنید . همه را حاضر کردیم ، فرمود

: آن که نماز را سبک بشمارد به شفاعت ما نمی رسد (۲). پاورقی ۱- اسرار الصلوة تهرانى : ۳۳- ۳۴. ۲- بحار الانوار : ۸۳ / ۱۹.

موانع نماز

قرآن مجید و روایات بر این معنی گواهند که در راه به پاداشتن نماز موانعی وجود دارد که مسلمانان باید سعی کنند از آنها دور مانده و به هنگام برخورد با آن موانع به مبارزه برخیزند و تا سرحد سرکوبی آنچه نمی گذارد انسان وارد بارگاه نماز شود به کوشش و جهاد ادامه دهند. در این قسمت هم مثل بخشهای گذشته از متن قرآن و روایات استفاده شده است. خوانندگان محترم را به دقت در این فصل توجه می دهیم : * ای مردمی که به حق گرایش پیدا کرده اید ! بدانید شراب و قمار و بت پرستی و تیرهای گروبندي برنامه هایی است پلید و از کارهای شیطان. حتماً از آنها دوری کنید تا به رستگاری برسید. شیطان می خواهد به وسیله شراب و قمار میان شما عداوت و دشمنی ایجاد کند و مخصوصاً به وسیله این برنامه های پلید شما را از نماز و ذکر حق باز دارد. آیا از این برنامه ها دست برمی دارید تا به فتنه شیطان دچار نشوید (۱)؟! * به مردم منافق و آنان که ظاهر و باطن یکی ندارند بگو : آنچه اتفاق کنید - چه با میل چه با زور - از شما پذیرفته نیست، زیرا کار شما خودستایی است و شما مردمی هستید که سخت به فسق خو گرفته اید. ای رسول من ! هیچ پاورقی ۱ - مائده (۵) : ۹۰ - ۹۱. مانعی از قبول نفقات آنها نبود جز آنکه آنان به خدا و رسول کافر بودند، و این که در نماز شرکت می کنند برای تظاهر است، زیرا از نماز اکراه دارند و سخت کسل اند، و مالی را هم که می دهند از روی شوق نیست (۱). آنچه به عنوان قسمتی از موانع نماز از آیات ذکر شده استفاده می شود، می توان در چهار قسمت خلاصه کرد : ۱. شراب ۲. قمار ۳. بت پرستی ۴. ریا من لازم می دانم برای توضیح هر یک از این موانعی که در راه نماز است و قرآن به آن اشاره فرموده به روایات متوسل شوم و نظر معصومین (علیهم السلام) را نسبت به این چهار قسمت منعکس کنم. شراب : حضرت باقر (علیه السلام) فرمود : * شرابخوار با روی سیاه، دهان کج، زبان بیرون آمده، و ناله و فریاد از شدت تشنگی وارد قیامت می گردد و به او از چاهی که در آن چرک بدن زنان زناکار ریخته شده می آشامانند (۲). حضرت صادق (علیه السلام) فرمود : * ای یونس بن ظبیان ! از طرف من به مردم بگو : هر کس یک جرعه شراب پاورقی ۱ - توبه (۹) : ۵۴. ۲ - وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۳۷ - ۲۳۸. بنوشد خداوند و ملائکه و انبیا و مؤمنان او لعنت می کنند. مستی شراب روح ایمان را از کالبد می برد و به جایش روح پست و کثیف و لعنت شده قرار می دهد (۱). پیامبر اسلام در رابطه با شراب ده نفر را لعنت کرده است : * غرس کننده درخت، نگهبان آن، فشار دهنده انگور، ساقی خورنده، حمل کننده، تحویل گیرنده، خریدار، فروشنده، دریافت کننده پول (۲). رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود : * از اولین برنامه هایی که خداوند نهی فرموده شرابخواری، بت پرستی، و ستیزه با مردم بوده است (۳). از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روایت شده است : * شرابخواری مبدأ تمام گناهان است (۴). حضرت صادق (علیه السلام) فرمود : * شراب منبع تمام آلودگی هاست و شرابخوار تکذیب کننده قرآن است، زیرا اگر قرآن را باور می داشت حرامش را حرام می دانست (۵). حضرت باقر (علیه السلام) می فرماید : * خداوند به چیزی مانند میخوارگی معصیت نشده. برای شرابخوار مست پاورقی ۱ - وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۳۷ - ۲۳۸. ۲ - وسائل الشیعه : باب تجارت، قسمت ۸۴. ۳ - وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۴۳. ۴ - وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۵۱. ۵ - وسائل الشیعه : ۱۷ / ۲۵۱. زنای با مادر و دختر و خواهر امری عادی است، زیرا به هنگام مستی آنان را تشخیص نمی دهد، و نیز برای مشروبخوار ترک نماز برنامه آسانی است (۱). به امیرالمؤمنین (علیه السلام) عرضه داشتند : شما فرمودید : شراب از دزدی و زنا بدتر است؟! فرمود : * آری ! زناکننده ممکن است گناه دیگری مرتکب نشود ولی شرابخوار چون مست شده زنا می کند، آدم می کشد، نماز را رها می سازد (۲). قمار قرآن مجید قمار را از گناهان کبیره می داند (۳). قمار عملی است که برای برنده و بازنده تولید دشمنی می کند. قمارباز اگر بیازد به خاطر از دست دادن مالی که به زحمت فراهم کرده دشمنی برنده را به دل می گیرد، و اگر ببرد بازنده مقابلش دشمنش می شود. کمتر مجلسی برای

قمار تشکیل می شود که در آن نزاع و کینه برنخیزد، و چه بسا بازنده مال به خاطر فراوانی حسرت و اندوه دست به خودکشی بزند، یا برای جبران از بین رفتن مالش به گناهان دیگر از قبیل دزدی یا آدمکشی دچار شود. جمیع آلات و ادوات قمار، ساختن و فروختن و نگهداری آنها حرام است. و نشستن در مجلس قمار هم در آیین الهی ممنوع اعلام شده است. روایات حرمت قمار مانند حرمت شراب، در کتابهای با عظمت کافی و وسایل فراوان است، می توانید به این او منبع ارزنده اسلامی مراجعه کنید. برای نمونه به یکی از آن روایات که ابزار قمار هم در آن ذکر شده اشاره پاورقی ۱ - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۲۵۱. ۲ - وسائل الشیعه: ۱۷ / ۲۵۰. ۳ - بقره (۲): ۲۱۹. می شود: * امام صادق (علیه السلام) می فرماید: فروش شطرنج و خوردن پول آن حرام و نگاه داشتش کفر و بازی با آن شرک و سلام کردن به بازی کننده آن گناه و یاد دادن آن به مردم معصیت بزرگ است. آن کس که دست به شطرنج می زند همانند این است که دست در گوشت خوک فرو می برد و کسی که به آن نظر می اندازد همانند آن است که به عورت مادرش نگاه می کند. بازی کننده و سلام کننده بر او نگاه کننده به بازی، همه و همه در گناه مساوی هستند و آن کس که به بازی شطرنج بنشیند برای خویش در دوزخ جا تهیه می کند و زندگی آن جهان برایش ایجاد حسرت می نماید. از همنشینی با قمارباز بپرهیزید، زیرا اهل آن مجلس محل خشم خدایند و هر ساعت در معرض غضب اند، و چون نازل شود شما را هم خواهد گرفت (۱) قمارباز چون به قمار بنشیند تمام همت و نیرویش متوجه بردن مال از طرف مقابل است و برای این برنامه ناچار است ساعت ها معطل شود. مجالس قمار گاهی از اول روز تا غروب یا از غروب تا نزدیک صبح ادامه پیدا می کند و قمارباز خسته و درمانده در طول روز یا در طول شب چگونه می تواند به نماز قیام کند؟ مگر قمارباز با نماز جمع می شود؟ بت پرستی بت پرستی یعنی روی گرداندن از تمام فضایل و آلوده شدن به تمام رذایل. بتهایی که در معرض پرستش واقع شده اند و می شوند بر دو دسته جاندار پاورقی ۱ - وسائل الشیعه: ۶ / ۲۴۱، باب ۱۰۳. و بی جان اند: جاندار همانند فرعون و نمرود و شداد و یا گوساله و گاو و گوسپند و سایر حیوانات. بیجان مانند خورشید، ماه، ستارگان، درخت و نبات، سنگ و چوب و ساخته های دست خود انسان مانند لانت، هبل، عژی، پول و ... این بتها در عین جاننداری و بیجانی، بتهای بیرونی اند، و اما بتهای درونی عبارتند از هوای، غرایز، شهوات و ... اینکه انسان به هنگام گرفتار آمدن به پرستش بتهای جاندار و بیجان، درونی و بیرونی، از تمام فضایل - مخصوصاً عبادت حق و به ویژه نماز - باز می ماند جای تردید نیست. این نکته را هم نباید ناگفته گذارد که منشأ پرستش بتهای بیرونی آلودگی باطن است. این قلب و روح است که اگر تزکیه شود و با تعالیم آسمانی زنده گردد، آدمی را از اسارت بتهای درون و بیرون نجات می دهد و او را به اوج کمال می رساند، ولی با غفلت زدگی دل و افسردگی جان، آدمی در تنگنای پرستشهای غلط قرار خواهد گرفت. در این صورت از انسان اسیر نباید توقع حسنات و فضیلت و انصافیت داشت. ریا زایه ای از شرک و نفاق است. ریاکار اگر بداند که مردم از برنامه اش آگاه شده و او را مدح می کنند، به اجرای عمل برمی خیزد، و گر نه زحمت انجام هیچ عبادتی را به خود نمی دهد. با این حساب، مسئله اجرای نماز به وسیله ریاکار بسته به توجه مردم است، اگر بداند مردم از نمازش آگاه می شوند می خواند، و گر نه از قیام به این عبادت بزرگ خودداری می کند. ریا در حقیقت شعبه ای از شرک و بت پرستی است. خداوند بزرگ در سوره ماعون به نمازخوانان ریاکار حمله کرده و نماز آنان را به هیچ انگاشته است. [۸۹] - روایات باب ریا نیز زیاد و فوق العاده است، پویندگان می توانند به کتابهای بحارالانوار، محجّه البیضاء، وسائل الشیعه، کافی، تحف العقول، خصال و جامع السعادات مراجعه کنند. ریا باطل کننده عمل است و عمل با ریا در روز قیامت اجر و مزدی ندارد. در شرح مصباح ملا عبدالرزاق گیلانی در باب ریا داستان مختصر ولی جالبی بدین مضمون نقل شده است: * غریبی شبی در مسجدی نزول کرد، سگی پیش از او در گوشه مسجد خفته بود. چون ساعتی از شب گذشت سگ بر خود بجنید، آن غریب پنداشت که شخصی از اهل محله است. به امید آنکه بامداد اهل آن محله را از حال خود خبر کند و او را در میان ایشان قبولی و شهرتی باشد بیوضو به نماز ایستاد و تا صبح دست و پا می زد و نماز بیوضو به جهت ریا می کرد. چون هوا

روشن شد سگ گوشها جنبانید و از مسجد بیرون رفت . مرید همه شب را به طاعت مشغول بود ، چون بامداد شد یبنی پر خاک و دامن و ریش پر باد ، به نظر شیخ آمد تا شیخ اصحاب را خبر دهد . شیخ آن کدورت بی صفا را مشاهده کرد ، گفت : امشب به کدام کوره مبتلا شده ای که تو را از جهود خیبر بتر می بینم !؟

شرایط نماز

در کتاب فقهی و عرفانی و اخلاقی آورده اند که : نماز حقیقی است که با چهار هزار مسئله بدرقه می شود . و این کثرت مسائل ظاهری و باطنی دلیل بر موقعیت ممتاز نماز در میان عبادات اسلامی است . می نمی دانم در شناساندن حقیقت این عمل مهم ملکوتی از کجا شروع کنم ، مانند کسی هستم که در کنار ساحل ایستاده و چشم اندازش دریای بی نهایت بزرگی است . برای نماز دو نوع شرط بیان کرده اند : ظاهری و باطنی . در این بخش خیلی فشرده و سادی به شرایط ظاهری و باطنی نماز اشاره می شود . شرایط ظاهری : طهارت که عبارت است از غسل و وضو و تیمم و رفع آلودگی از بدن و لباس و حتی الامکان تمام محلّ نماز . احتراز از لباس ابریشم ، حریر ، و نیز طلا برای مردان ، و دوری جستن از لباسی که از پوست و پشم و کرک حیوانات حرام گوشت تهیه شده است . مراعات وقت نماز ، بخصوص اول وقت ، و ایستادن در محلی که کسی یا چیزی از جلوی آدمی عبور نکند . قرار گرفتن به طرف قبله با تمام وجود و توجه داشتن به اینکه انسان می خواهد چه برنامه ای را اجرا کند و در برابر چه قدرت عظیمی ایستاده است . خواندن بعضی از آیات قرآن قبل از ورود به نماز از قبیل : (وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ حَنِيفًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ) (۱) . برداشتن دو دست تا محاذی گوش ، در حالی که دو کف به طرف قبله باشد . مؤدب و موقر قرار گرفتن در پیشگاه حضرت حق و چشم به محلّ سجده دوختن ، مخصوصاً به قطعه خاکی که برای گذاردن پیشانی به روی خاک آن آماده شده است . گفتن تکبیر و خواندن حمد و سوره با طمأنینه ، زیرا سرعت و عجله در نماز تمام بهره خدایی آن را از بین می برد . رفتن به رکوع ، قرار دادن پیشانی به خاک در دو سجده همراه با دو کف دست ، دو زانو ، دو سر انگشت پا و تشهد و سلام ، با توجه به اینکه نماز صبح دو رکعت ، ظهر چهار رکعت ، عصر چهار رکعت ، مغرب سه رکعت ، و عشا چهار رکعت است . این مسئله را هم توجّه دارید که در هر دو رکعت از نماز پس از قرائت حمد و سوره یک رکوع و دو سجده ، و در دو رکعت آخر نمازهای چهار رکعتی ، خواندن یک حمد یا سه بار « سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ » یا یک بار با توجّه به فتوای مرجعی که انسان از او تقلید می کند انجام می شود . این است شرایط ظاهری نماز که از آن تعبیر به مقدمات و مقارنات شده . پاورقی ۱ - انعام (۶) : ۷۹ . شرایط باطنی فیض بزرگوار در کتاب ارزشمند محجّه البیضاء (۱) می فرماید : روح نماز بسته به شش حقیقت است : ۱ . حضور قلب ۲ . تفهّم ۳ . هیبت ۴ . تعظیم ۵ . امید ۶ . حیا حضور قلب : حضور قلب حقیقتی است که از تمرکز در برنامه های نماز و توجّه عمیق انسان به حق پدید می آید . چنانچه در نماز فکر انسان و حالات قلب مکلف ، میدان جولانی جز یاد محبوب داشته باشد ، حضور روی نخواهد داد و روی جان به جانب معشوق نخواهد شد و نماز گزار نخواهد توانست از عالم ملکوت کسب نور کند . تفهّم : تفهّم عبارت است از چشیدن معنای نماز و دریافت لطایف الهی آن است ، لطایفی که به دست آوردنش انسان را مست باده عالم معنا می کند و قدرت عجیبی برای معراج روح به وجود می آورد . پاورقی ۱ - محجّه البیضاء : ۱ / ۲۷۰ . هیبت : هیبت حالت خوف و ترس از مقام باعظمت الهی است ... که مبدأ... معرفت حقیقی به حقّ است ، و آن کس که از معرفت محروم است و به این خاطر توجّه به مقام دوست قلبش را تسخیر نکرده ، نمی تواند دارای هیبت باشد . تعظیم : ممکن است انسان یا مستمعی سخن بگوید و فکرش متوجّه او باشد و مفاهیم کلمات را نیز بداند ، ولی برای او اهمیتی قائل نباشد . مراد از تعظیم این است که علاوه بر حضور قلب و توجّه به معانی لطیف باید نسبت به جناب او حالت تعظیم داشته باشد . امید چه بسا که انسان از صاحب مقامی بترسد ، اما به عنایت و لطف او امید داشته باشد . نماز گزار علاوه بر تعظیم نسبت به حق و خوف از مقام صاحب

هستی باید به مولا امید داشته و از او متوقع لطف و کرم و رحمت باشد. حیا توجه داشته باشد که ذره ای ناچیز در برابر وجودی عزیز که بی نهایت است ایستاده، و سراپای وجودش غرق در تقصیر است و وجودش عین عدم و عبادتش بی مقدار، و بداند که حضرت حق بر درون و برونش آگاه است، و توجه به تمام این امور را تمرین کند تا حیا از دوست در عرش جانش حاکم گردد.

[۹۷]- اذان چون صدای مؤذن را شنیدی، دل از ندای روز قیامت پر از ترس کن و آستین ظاهر و باطن را برای جواب دادن به ندای حق بالا بزن و برای ورود به نماز عجله کن، زیرا کسانی که با شنیدن صدای اذان از خود بیخود شده و برای اجرای دستور حق شتاب می کنند، روز قیامت مخاطب به ندای لطف و رحمت و احسان و مرحمت و محبت و عنایت می شوند. اذان را معیار نجات و عدم نجات خود در روز قیامت بگیر: اگر با شنیدن آن دلت شاد شد و غرق در نشاط گشتی امید اهل نجاتی، ورنه به علاج خود برخیز که دل و جان دچار مرض است. به این معنا توجه داشته باش که رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نزدیک وقت اذان به بلال می فرمود: * اَرَحْنَا يَا بَلَالُ. مؤذن من! با گفتن اذان برای قلب ما شادی به وجود آور. اذان با نام خدا آغاز می شود و با نام او به پایان می رسد، یعنی که اول و آخر اوست. به وقت شنیدن الله اکبر دل را در گردونه تعظیم کردن به حق بیاور و بدان که بزرگی غیر او وجود ندارد و غیر او چیزی وجود حقیقی ندارد، که اگر به این معنا توجه نکنی در حقیقت تکبیر نشنیده و تکبیر نگفته ای. وقت به هنگام رسیدن وقت نماز، توجه داشته باش که موقعیت بسیار والایی است که حضرت دوست برای انجام بندگی تو قرار داده و زمان چنگ زدن به عوامل نجات است، پس گشاده رو و دلشاد باش، زیرا وسیله نزدیکی به حق فراهم [۹۸]- شده. بعضی از زنان پیامبر می گویند: رسول حق با ما حرف می زد و ما با او سخن می گفتیم، چون وقت نماز می رسید انگار ما را نمی شناسد، و ما هم نسبت به او بیگانه ایم. امیرالمؤمنین (علیه السلام) به هنگام دخول وقت لرزه بر اندامش می افتاد و به خود می پیچید. عرضه داشتند: چه شده؟ می فرمود: وقت ادای امانتی رسیده که به آسمانها و زمین و کوهها ارائه کردند ولی آنها از قبولش سربرتافتند. حضرت زین العابدین (علیه السلام) وقت نماز رنگ از چهره اش می رفت و به زردی می گرایید. طهارت: تو که مکان نماز را پاک کردی و لباس و بدن را شستشو دادی و آنچه مربوط به ظاهر بود آراسته نمودی، آیا توجه به قلب و روح و مغز هم کردی؟ آنجا طهارت نمی خواهند؟ پاکی جان و طهارت نفس با توبه و پشیمانی از گذاشته غلط و اراده ترک گناه در آینده میسر است. پاکی درون را از یاد مبر که خداوند بزرگ به درون نظر خاص دارد. ستر عورت پوشاندن بدن به خاطر این است که خلق از دیدن قبايح و نقایص بدن دور باشند. آری! انسان خجالت می کشد که بیننده محترمی عیوب ظاهری او را بنگرد. اینجاست که از رسواییهای درون و رذایل اخلاقی و بدفکری ها و ... انسان باید با تمام وجود بنالد و از غصه بمیرد. برنامه هایی که به طور دائم در معرض دید حق است. باید آلودگی های باطن را با پشیمانی و حیا و ترس از خدا [۹۹]- و خوف از عذاب قیامت از مملکت درون زدود. حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: * زیباترین لباس برای انسان لباس خوشتنشنداری از گناه است. مکان تصوّر کن در پیشگاه عدالت قرار داری و محل رسیدگی به حساب است، اگر پرونده ات سراسر از کثرت گناه سیاه بود چه می کردی؟ توجه داشته باش که بهترین مکان برای نماز مساجد و مشاهد مشرفه است، زیرا خداوند مهربان این گونه مکانها را محل اجابت دعا و مرکز رسیدن رحمت و لطف و محبت و عنایت به بندگان قرار داده است. امام ششم (علیه السلام) می فرماید: * چون به مسجد رسیدی، آگاه باش که اراده ورود بر پادشاه بزرگی داری. پادشاهی که جز پاکان بر بساطش راه ندارد و غیر راستان و اهل صدق اجازه مجالست با او برایشان نیست. در آنجا به عجز و ناتوانی اقرار کن و به بیچارگی خویش توجه داشته نما و از حضرتش طلب رحمت کن. او وجودی است که از همه کس به تو مهربان تر است و آماده قبول عمل با اخلاص، اگر چه کم باشد. قبله قبله جهتی است که ظاهر بدن باید به طرف آن قرار گیرد، و ظاهر اسوه ای است برای باطن. بنابراین، فکر و روح و قلب را به طرف صاحب قبله قرار ده و به کلام رسول اسلام (صلی الله علیه و آله وسلم) توجه کن که فرمود: * هنگامی که عبد به نماز برمی خیزد و اراده و قلب را متوجه خدا می کند مانند روزی است که از مادر متولد شده است. حضرت

صادق (علیه السلام) می فرماید: * چون به سوی قبله قرار گرفتی از دنیا و هر چه در آن است ناامید شو، دل از غیر او برگردان بزگی حق را بر جان و دل قرار بده، به یاد روز قیامت باش و بین امید و ترس قرار بگیر. کعبه یک سنگ نشانی است که ره گم نشود حاجی احرام دگر بند بین یار کجاست

ترجمه نماز

توضیح

« نیت » قصد قلب و توجه دل و جهت گیری روح به سوی حضرت معبود است و این که نماز گزار می خواهد راهی را بپیماید که از پاکی جان و رهایی از حقّ الناس و دوری از رذایل اخلاقی شروع می شود و به خشنودی و رضایت حق پایان می یابد. در حقیقت، نماز گزار قصد دارد نماز را راه رسیدن به اخلاق الهی قرار دهد و خویش را از نظر علم و عمل و کار و کوشش و نیت و اعتقاد به مقام باعظمت خلیفه اللهی برساند. روشن است که هر کس از انجام کارش قصد و هدفی دارد، نماز گزار همه باید از اجرای این عمل خدا را قصد کند و حضرت او را هدف قرار دهد، و به وسیله این عمل باید اراده کند که خود را به اوج حقیقت و به مرز فضیلت برساند و به قول قرآن مجید در پایان سوره کهف باید به سبب عمل صالح (که یکی از مهم ترین مصادیقش نماز است) و نیز با طرد و نفی تمام معبودهای باطل و بتهای درونی و بیرونی، به لقای حق برسد و در دریای رحمت دوست غرق گردد. اگر چنین نیتی نماز را تا به آخر بدرقه کند، آن نماز آدمی را از تمام فحشا و منکرات باز داشته و از انسان موجودی الهی و ملکوتی می سازد که با تمام وجود حقوق خدا و خلق را به رعایت برخیزد. راستی اگر انسان نماز بخواند ولی در نیت و قصدش پذیرفتن واقعیّات نماز نباشد - واقعیّاتی که عبارت است از باور کردن یگانگی حقّ و مالکیت و کارگردانی او نسبت به تمام هستی، رحمانیت و رحیمیت بی نهایت در بی نهایت، وجوب شکر او، اعتقاد به روز حساب، تسلیم بودن در برابر ذات مستجمع جمیع صفات کمال، لزوم کمک گیری از او در تمام شؤون حیات، وجوب تبعیت از انبیا و امامان و دوری گزیدن از حالات و اخلاق مغضوبین و گمراهان - بی شک با عدم الهام از این حقایق، نماز گزار نیت نماز نکرده و وارد حوزه نماز نشده و در حقیقت زحمات تمام انبیا و اولیا را نادیده گرفته و به خود و دیگران ستم روا داشته است. و اگر از ابتدای نماز در نیتش باشد که واقعیّات نماز را در زندگی خود تحقق بخشد، روح و نفس و مغز و قلب به تدریج آماده قبول تمام حقایق نماز می شود و پس از مدتی انسان منبع حقایق و ظرف واقعیّات می گردد. حضرت صادق (علیه السلام) در توضیح نیت می فرماید: * نیت خالص و پاک که منشأ آثار پربرکت است، از دل پاک و خالی از وساوس شیطانی توقع می رود، چه این که سلامت دل از آلودگی ها و رذایل همچون حرص، بخل، کبر، حسد، عجب، نفاق، کینه و ... علت پاکی نیت و خلوص قصد و اراده است. خداوند در قرآن مجید می فرماید: * (يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ * إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ) (۱). آنچه در روز قیامت به شما سود می بخشد دل سالم است نه مال و فرزندان. رسول الهی (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود: * نیت مؤمن از عملش بهتر است. فلسفه این سخن این است که چون نیت به منزله ریشه عمل است پس سلامت ریشه است که مایه سلامت فرع است و در صورتی که ریشه سلامت نداشته باشد عمل از سلامت بی بهره است. و نیز آن حضرت فرمود: * ارزش اعمال به نیت شخص بستگی دارد و محاسبه عمل هر انسانی بر محاسبه نیت او قرار دارد (۲). عبد وقتی می تواند حقیقت بندگی و آثار عبادت را از خود ظهور دهد که در تمام حرکات و سکنات نیتش برای خدا باشد، و اگر نیت برای خدا قرار نگیرد غافل است و غافل به فرموده قرآن مجید (کَالْأُنْعَامِ) است (۳). امام (علیه السلام) در باب نیت کلام حکیمانه اش را بدین صورت ادامه می دهد: * نیت از قلب است، چنانچه دل خانه نور و پاکی باشد نسبت به خلوص در نیت نزدیکتر است، و اگر قلب از یقین و ایمان و باور و نورانیت و احوالات الهیه دور باشد پدید کردن نیت

خالص با چنین قلبی کار مشکلی است. پس نماز گزار قبل از نیت، لازم است خانه دل را از تاریکی و ظلمت و جایگزینی شیطان و وسوسه پاک کند تا بتواند دل و نیت را به پیشگاه حق ببرد. حضرت می فرماید: * صاحبان نیت خالص، به خاطر حق با خواسته های غلط نفس در مبارزه اند، و یکی از آثار فوق العاده نیت خالص حیاست، زیرا آن کس که در هر کاری قصد خدا دارد ظاهر و باطن خود را برای خدا یکسان سازد و با داشتن قصد پاک، حیا می کند که حق خدا را آنچنان که هست بجا نیاورد. صاحب نیت خالص در رنج است تا دیگران در راحت باشند، زیرا آن کس که در نماز و در هر عملی نیت قرب الی الله دارد باید خویش را به تمام پاکی ها آراسته کند و از رذایل دور بدارد و در کنار چنین نیتی مجبور به رعایت حقوق انسان هاست، و این نیست جز برای راحت دیگران خود را به زحمت انداختن، و بدین گونه است که انسان با رعایت حق خالق و مخلوق، لایق مقام قرب می شود.

الله اکبر

خداوند بزرگتر از آن است که به وصف در آید، وجود مقدس او اکبر از کل شیء است و چیزی در برابر حضرت او بزرگی ندارد، و چون چنین است دل برداشتن از او و دل بستن به غیر آن محبوب، عین ضلالت و گمراهی است. راستی ذره کوچکی چون انسان در برابر عظمتی بی نهایت در بی نهایت چگونه نیروی وصف و توان تعریف دارد؟ به هنگام گفتن تکبیره الاحرام باید محور دیدار و فانی در عظمت دوست شد، بمانند کسی که برای حج حقیقی احرام بسته و از همه چیز جز معشوق چشم پوشیده. احرام بسته ام به کویت لبیک زنان به جستجویت بالا بردن دست تا برابر گوش به وقت گفتن الله اکبر به این معناست: ای امید همه عالم! ای پناه هستی! و ای مالک و مربی تمام موجودات! در این وقت که به سوی تو در حرکتیم، دنیا و هر چه در آن است پشت سر گذاشته و بدون اینکه در راه سفرم مانعی باشد به سوی تو پروازم. اگر پس از تکبیره الاحرام، باز غرق در خیالات و اوهام و برنامه های مادی و دنیایی باشی از سفر باز مانده ای و به معراج مردم مؤمن و اولیای الهی نخواهی رسید. چنین نمازی که مخلوط با برنامه های غیر حق است بنیادش سست و بنیانش بر الفاظ خشک است، و تنها سودش ساقط شدن تکلیف و خروج از صف بی نمازان و مزدش اندک و بهره اش به حقیقت ناچیز است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این آیه مبارکه و این جمله ملکوتی تعلیمی است به همه بندگان که هر کاری را به نام و به یاد حضرت او شروع کنند و بی شک عملی که به نام الله - که دارای جمیع کمالات و پاک از هر عیب و نقص و مبدأ تمام حقایق و برنامه های مثبت است - ابتدا می شود، انجامش به خیر و سلامت و عامل سعادت دو جهان است. گفتن بِسْمِ اللَّهِ و درک مفهوم آن و اتصال به مسمایش - که حضرت محبوب است - در حقیقت، قرار گرفتن در پناهگاهی است که تمام موجودات در همه زمینه ها نیازمند به آنند. و چه پناهی بالاتر و برتر از خداوندی که دستگیر و یار و مددکار و پناه دهنده و اطمینان بخش به نیازمند و درمانده است؟ راستی عجز و ناتوانی، فقر و ذلت، مسکنت و حیرت، نداری و ظلمت و اضطرابی که با تمام انسان ها همراه است، آیا جز با پناه بردن به حق و اتصال دادن هر کاری به او و شروع هر عملی به نام و به یاد او قابل جبران است؟! «الله»: ذات پاک و منزهی است که صاحب جمیع صفات کمال است و جامع همه حقایق و فاقد همه نواقص. آدمی با روی آوردن به او، به نهایت بزرگواری و کرامت و شرف و فضیلت و حقیقت و عزت می رسد و به رفع و دفع نیازمندیها و عیوب و نقایصش موفق می گردد. این است قدرت نماز و حقیقت این عبادت، که اگر غیر این باشد نماز نیست. به حق حق قسم که اگر به وسیله نماز دردهای فکری و روحی و خانوادگی و اجتماعی و درونی و بیرونی معالجه نشود، اقامه نماز نشده، بلکه الفاظی عربی با زبان تکرار شده و به قول فقهای بزرگ اسقاط

تکلیفی به انجام رسیده است. اگر ارتباط روحی و قلبی با ذات جامع کمالات برقرار گردد، تمام عیوب و نقایص رفع می شود، که این رفع عیوب، خاصیت طبیعی این ارتباط است. اگر ارتباط و اتصال حقیقت داشته باشد، به تدریج عیوب و نقایص و فحشا و منکرات برطرف می شود و آثار فیض و عنایت و تحقق صفات الهی در انسان نمودار می گردد. چونان که تشنه با اتصال به آب و گرسنه با خوردن نان تشنگی و گرسنگی اش برطرف می شود، ناقص هم در ارتباط با مبدأ کمالات، نواقص فکری و روحی و قلبی و اخلاقی اش برطرف، و با فنای در صفات و کمالات الله کامل می شود. «الْزَّحْمَنُ» وجود مبارکی که به تمام موجوداتی که آفریده، به مقتضای استعداد و لیاقت هر یک، عنایت و لطف دارد و سفره روزی آنان را بدون هر قید و شرطی از باب رحمت و محبت گسترده و بر این خوان یغما دوست و دشمن را نشانده و به همه اجازه بهره برداری و سود بردن از این دریای بیکران نعمت را مرحمت فرموده است. «الْزَّحِيمُ»: به مردمی که دارای ایمان و عمل صالح اند دارای لطف خاص است و به آن انسان هایی که در دنیا از هدایت او بهره گرفتند و تسلیم خواسته های انبیا و ائمه شدند، مزد آخرتی و منفعت ابدی و سود سرمدی عنایت می فرماید، و این عنایت شامل آنان که از ایمان و عمل صالح دورند نمی شوند، چنانکه قرآن مجید فرموده است: * (... إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ) (۴). به حقیقت که رحمت خدا نزدیک به نیکوکاران است. در تفسیر کشف الاسرار است: اما حکمت در آن که ابتدا به الله کرد، سپس به رحمان، پس به رحیم، آن است که این بر وفق احوال بندگان فرو فرستاد، و ایشان را سه حال است: اول آفرینش، پس پرورش، پس آموزش. الله اشارت است به آفرینش در ابتدا به قدرت، رحمان اشارت است به پرورش در دوام نعمت، رحیم اشارت است به آموزش در انتها به رحمت. چنان است که الله گفتی اول بیافریدم به قدرت، پس پروریدم به نعمت، آخر بیامرزم به رحمت. در اینجا باید توجه داشت که برابر با قول قرآن و سنت، رحمت حق شامل مردمی است که وجود خود را شامل مردمی است که وجود خود و نعمت های حق را در راه محبوب به مصرف گذاشته و از ایمان و اجرای دستورهای الهی برخوردار بودند: الهی! نام تو ما را جواز و مهر تو ما را جهاز. الهی! شناخت تو ما را امان و لطف تو ما را عیان. الهی! فضل تو ما را لوا و کنف تو ما را مأوا. الهی! ضعیفان را پناهی، قاصدان را بر سر راهی، مؤمنان را گواهی، چه بود که افزایی و نکاهی؟ الهی! چه عزیز است او که تو او را خواهی، و برگریزد او را در راه آیی، طوبی آن کس را که تو او را یی، آیا که تا از ما خود کرای (۵). «بِسْمِ اللَّهِ» آغاز تمام سوره های قرآن جز سوره توبه است، و مردم مسلمان مأمورند در ابتدای تمام برنامه های خود آن را بگویند. و گفتن این جمله و توجه به مفهومش به خاطر این است که روی دل و فکر انسان از غیر خدا برگردد، و هر کار و عملی به یاد خدا و به نام او شروع شود، تا همچنانکه آغاز کار اتصال به خیر مطلق داشت، انجامش نیز به محصول و ثمر بنشیند.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

اشاره

«شکر» سپاسگزاری در برابر نعمت است بدون توجه به مقام منعم، «مدح» ستایش ممدوح است به خاطر جمال و کمالی که دارد بدون توجه به نعمت و احسان منعم، «حمد» جامع معنای شکر و مدح است. حمد یعنی سپاسگزاری در برابر تمام نعمت ها با توجه به مقام عالی منعم که جامع تمام صفات کمالیه است. در این جمله یعنی هر شکر و مدحی - چه با زبان بیان، و چه با زبان عمل و چه با زبان وجود - مخصوص ذات با کمالی است که مالک و تربیت کننده تمام اجزاء هستی است. باید حمد و ستایش را تنها برای مبدائی دانست که لطف تربیتش سراسر جهان و همه موجودات را فرا گرفته، هر ناتوانی را توانا می گرداند، هر بی جانی را جان می بخشد و فراخور احتیاجش ساز و برگ زندگی به او می دهد واز آنچه هست برترش می سازد تا به جمال عقلش می آراید، آن

گاه برای تکمیل تربیت، پیامبران را برمی انگیزد و شرایط و قوانین فراراهش می گذارد و تربیت تکوین را با تشریع تکمیل می کند. بدین جهت در قرآن کریم که ظهور تربیت و اراده حق است، آیات تکوین و تشریع با هم آمده و همه را آثار قانون تربیت «ربّ العالمین» می شمارد. با بیان این حقیقت، معلوم می شود که حمد به اندازه پهنای جهان بزرگ از نظر مفهوم توسعه دارد. هر چه بیشتر اسرار جهان باز شود و خرد انسان پیش رود، مجهولات نظام طبیعت بیشتر معلوم می گردد و حقیقت حمد و توجه به ربوبیت جهان بیشتر تحقق می یابد و معنا و واقعیت آن عمیق تر و وسیع تر می گردد. به راستی توجه به مالک و ربّ عالم و مسئله تربیت موجودات که وقف حریم کبریاست و سازمان وجودی عالمین، اعم از جماد و نبات و حیوان و انسان، امری بسیار لازم و حقیقی واجب است. کافی است که درک اسرار وجودی کوچکترین ذره عالم آدمی را به خضوع و خشوع و شکر و سپاس در برابر مالک و مربی جهان وادارد، چه رسد به اینکه واقعیات بیشتری از جهان بالا یا اسرار نباتات و حیوانات و وجود انسان برای ما کشف شود، و چه نیکو است که نمازگزاران عزیز هر یک از چهار جهان حیرت انگیز: جهان بالا و نبات و حیوان و انسان، مسائل کلی را در نظر بگذرانند تا از این پس بدانند در برابر چه مالک و مربی عظیمی به عبادت و خضوع و بندگی می ایستند!!

جهان کیهان

فیزیک نجومی به ما می آموزد که آسمان صاف و بی ابر، مجموعه پهناوری است مرکب از خورشیدهای بی شمار که مانند مولکول های گازی که به جنبش آورند، در جهان بسیار متفاوت، به طور شتابان رفت و آمد دارند. «نشر واقع» با سرعت ثانیه ای ۱۳ کیلومتر به ما نزدیک می شود، «الْأَلْدَبَرَان» ثانیه ای ۵۳ کیلومتر از ما دور می شود، «سِتْمَاک رَامِتَج» با سرعت ثانیه ای ۱۳۵ کیلومتر مسیر مورّبی را می پیماید، دو ستاره آخرین دُبّ اکبر به یک سو می روند، در عین اینکه ستارگان دیگر این صورت فلکی با سرعت غیر قابل تصویری به جهت مخالف روانند. منظومه شمسی ما نیز از این سرنوشت مستثنی نیست: خورشید با سرعت ثانیه ای ۱۹ کیلومتر واله و حیران به سوی کناره کهکشان ما روان است و در این راه بی پایان زمین و سیارات دیگر را که موکب او را تشکیل می دهند با خود می برد، و در همین حین، یک دستگاه منظومه شمسی همراه کهکشان که یکپارچه مانند چرخ فلک آتشبازی عظیمی به دور خود می چرخند، قوس بزرگی به سرعت ثانیه ای ۲۴۰ کیلومتر را طی می کند. خورشیدی که هم اکنون مقابل دیدگان ماست در حالی است که نسبت به عمر کهکشان یا عالم هشت دقیقه پیش بوده، با توجه به این که زمین خیلی جوان تر از خورشید است و در حدود ۴ میلیارد و پانصد میلیون سال از عمرش گذشته. شِعْرَای یمانی نه سال جوان تر به نظر می رسد. خوشه پروینی که تماشا می کنیم منظره پانصد سال پیش آن است. در شب صاف بی ماه، با چشم بی سلاح در صورت مرأه المسلسله قطعه ابرمانندی به بزرگی قرص ماه می توان تشخیص داد که نور ضعیفی می پراکند. این توده ابر مانند، ستارگان سحابی است. خارج از کهکشان وضعی که اکنون از آن به نظر ما می رسد آن چنان است که در دو میلیون سال پیش داشته. از آن زمان تا کنون بر ستارگان بی شمار آن چه گذشته در این باره هیچ چیز نمی توان گفت. کهکشان مرأه المسلسله آخرین مرز دید بشر است، اما با کمک تلسکوپ می توانیم میلیاردها سال نوری پیش برویم. انواری که اجرام این جهان دور می پراکنند به «نور فسیل» موصوف شده اند. البته این انوار بر بیشتر فسیلهایی که در سرزمین بدست آمده اند مقدمند. شگفت آنکه نوری آنچنان ضعیف که ورقه شفاف نازکی یا ذره غباری مانع تابشش می شود، با سرعت ۳۰۰ هزار کیلومتر در ثانیه، صد میلیون کیلومتر راه پیموده است. ظهور همین انوار که از بسیار دور به ما می رسند خلأ نسبی فضا را ثابت می کند و تصویری از عظمت دستگاه آفرینش را «که دخالت عظیمی در کارگردانی حیات همه موجودات دارد» آشکار می سازد، و اینجاست که انسان را با تمام وجود وادار می کند فریاد بزند: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ). با تقسیم آسمان به چندین بخش، و عکسبرداری از هر بخش، ممکن خواهد بود که ستارگان گنبد نیلگون را شماره کرد. در رصدخانه ها این کار می شود. مثلاً در رصدخانه دانشگاه هاروارد،

کلیشه ای که ۳۵ در ۴۵ سانتی متر مساحت دارد بیش از دو هزار کهکشان را نمایان می سازد ، اما شمار کهکشان هایی که جهان را تشکیل می دهند در حدود پانصد میلیون است . در هر کهکشان چند ستاره وجود دارد ؟ قطعه های چندی از کهکشان منظومه شمسی را شمرده اند . یک منجم جوان ، بیش از دو میلیون ستاره جدا از یکدیگر شمرده است . به موجب این رصدها و آزمایشهای دقیق ، ستاره های یک کهکشان ما فقط بالغ بر صد میلیارد است ! توجه به این حقایق از طرف انسان منصف و خردمند است که او را به تعظیم در برابر جلال و جبروت ربّ عالمین وامی دارد و از او می خواهد که با تمام هستی ظاهر و باطنش بگوید : (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) . در فهرست کتاب علم و زندگی عناوین شگفت آوری را درباره اوضاع هستی و مسائلی که در اطراف می گذرد و آنچه در حیات ما مؤثر است و چیزی جز جلوه ربوبیت حضرت رب العالمین نیست ، بدین صورت می خوانیم : آب به چه شکل هایی یافت می شود ؟ آب از چه چیز ترکیب شده ؟ چگونه آب برای ما کار انجام می دهد ؟ چگونه آب در هوا وارد می شود و چگونه از آن خارج می گردد ؟ موجبات وزش باد چیست ؟ چگونه رطوبت هوا در وضع جوی تأثیر می کند ؟ موجب اختلاف آب و هوا در نقاط مختلف چیست ؟ عمر زمین چقدر است ؟ چه نیروهایی باعث تخریب زمین می گردد ؟ چه نیروهایی سبب پیدایش کوهها می گردد ؟ خاک چگونه تشکیل می گردد ؟ چه فلزات سودمندی از زمین بدست می آیند ؟ چه سوخت هایی از زمین می گیریم ؟ کدام مصالح ساختمانی را از زمین بدست می آوریم ؟ حرارت چطور به وجود می آید و چگونه اندازه گرفته می شود ؟ حرارت چگونه اداره می شود ؟ نور چیست ؟ اشیاء را چگونه می بینیم ؟ چرا اشیاء رنگ دارند ؟ الکتریسیته ساکن از کجا می آید ؟ چگونه از مغناطیس استفاده می کنیم ؟ جریان برق چگونه تولید می شود ؟ چگونه جریان برق به ما می رسد ؟ چگونه صوت بوجود می آید ؟ صداها با هم چه تفاوت هایی دارند ؟ چگونه می توانیم بشنویم ؟ چگونه در خشکی مسافرت می کنیم ؟ چگونه روی آب سفر می کنیم ؟ موجب پیدایش فصول چیست ؟ گیاهان و جانوران از چه ساخته شده اند ؟ بدن گیاهان و جانوران چگونه ساخته شده است ؟ جانوران و گیاهان چه کارهایی می توانند انجام دهند ؟ گیاهان چگونه برای انسان مفیدند ؟ جانوران چگونه تکثیر می شوند ؟ جانوران چگونه تولید مثل می کنند ؟ چرا ما به غذا احتیاج داریم ؟ به چه نوع غذاهایی نیازمندیم ؟ چگونه گیاهان سبز غذای ما را می سازند ؟ غذای ما چگونه هضم می شود ؟ غذای هضم شده چگونه به تمام اعضای بدن می رسد ؟ انرژی چگونه در بدن تولید می شود ؟ جواب هر یک از این سؤالات کتاب مفصّلی لازم دارد ، و به قول فخر رازی عالم بزرگ قرن پنجم برای شمردن نعمت های الهی ، یک میلیون کتاب هم کفایت نمی کند . (۶) به راستی در برابر این مالک و مربی ، با کمال معرفت باید گفت : (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

جهان نبات

این جهان ، به حقیقت جهان شگفت آوری است و شرح هر زاویه ای از این عالم کتاب ها لازم دارد . در این قسمت نیز به عناوین اوضاع جهان نبات برای توجه بیشتر به جلال و جمال حضرت ربّ العزّه قناعت می شود : حسّ و حیات نباتات ، سلول نبات ، عناصر تشکیل دهنده سلول ، خاصیت هر از عناصر ، ترکیب هسته ، غشاء سلول ، اعمال فیزیکی آن ، کیفیت تولید نیرو ، چگونگی تغذیه نباتات ، اسرار مرموز نموّ متناسب ، تولید و تکثیر ، نسوج نباتی ، جهازات داخلی هر یک ، خواص طبیعی آنها ، کیفیت ساختمان ریشه ها با هم ، طبقات ریشه ها ، استواری آنها ، کیفیت جذب آب و املاح ، جریان شیره خام ، دفع موادّ زائد ، کیفیت دفع مبارزه ریشه ها با هم ، ساختمان کلاهک یا سپر بر سر آنها ، عناصر ترکیب کننده آنها ، عملیات فیزیکی هر یک ، تأثیر خاص رطوبت و حرارت و نور در نباتات ، دستگاههای گیرایی این قوا در گیاه ، وسایل تنفس گیاه ، ساختمان برگ ، ترکیبات و طبقات و انواع آنها ، برگهای خاردار ، عمل لقاح ، ابزار و وسایل لقاح ، باده ها و امواج مأمور ، حساسیت خاص برخی از نباتات ، تعاون گیاهان نسبت به هم ، درختهای گوشتخوار ، نظام توارث در آبی صحرایی ، مقاومت گیاهان در برابر امراض ، امراض گیاه ، مرگ گیاه . هر یک

از این عناوین خود موضوع علم خاصی است و دارای میلیاردها قانون و نظام مستحکم می باشد. به حقیقت که با کمال شعور و معرفت در برابر این همه عنایت حضرت حق باید گفت: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

جهان حیوانات

تنها در قسمت حشره، تاکنون حشره شناسان نزدیک به هفتصد هزار نوع حشره احصا کرده اند. شماره حشرات به اندازه ای است که ارقام برای بیان آن قاصر است. در یک روز تابستانی که هوا صاف باشد، شماره سوسکها، مگسها و خرچاکیها که در بریدگی های تپه ای برای نظام حیات در تکاپو هستند از عده نفوس یک قاره بیشتر است. اگر ناگهان نژاد بشر به کلی از روی زمین معدوم شود، مخلوقات دیگری که بر روی زمین می لولند به زحمت متوجه غیبت او خواهند شد. ژان هانری فابر دانشمند نامی فرانسه همیشه می گفت: تدبیر در ساختمان پیکر حیوانی کوچک چون مور و تشکیلات منظم حیاتی آن، میلیاردها انسان را به سوی خدا رهبری می کند. همان تحیر و اعجابی که در جهان فضا و کواکب و عالم نباتات بر آدمی چیره می شود، چندین برابر آن در جهان حیوانات به آدمی دست می دهد. این که می گوئیم چندین برابر آن، به خاطر آن است که خورشید با آن هم عظمت فاقد عنصر حیات و حس و اراده است، اما در جهان حیوانات عنصر ناشناخته حیات با همه پیچیدگی و ابهامش و با تشکیلات وسیع و عظیمش، بر سایر عجایب عالم ماده افزون گردیده است. در جهان حیوانات تشکیلات وسیع موجودات ذره بینی چون ویروس ها و باکتری ها و سایر موجودات ذره بینی یا میکرب ها، گروههای گوناگون آنها، آثار مختلف حیاتی آنها، نقش یکایک اصناف آنها در سازمان این عالم خاصه در وضع حالات بشری، میکربهای امراض، میکرب های زحمتکش و خدمتگزار، حشرات ریز، سازمان حیاتی آنها، قدرت احساس آنها، کیفیت توالد و تناسل گوناگون سراسر جانداران، تخم گذاری، تلقیح یا ترکیب تخم نر و ماده، حمل، تقسیم، اسرار اسپرماتوزوئید، اسرار اوول، تشکیلات کرموزوم ها، ژن ها، خزندگان، پرندگان، پستانداران، حیوانات آبی، چهارپایان، سازمان و ساختمان یکایک آنها، نظامات زندگی آنها، عواطف و احساسات آنها، و میلیاردها میلیارد موضوع دیگر وجود دارد که هر یک از آنها، رشته ای است طولانی و بس پرپیچ و خم که علوم گوناگونی به بیان اسرار و نظامات این موجودات و سازمانهای آنها پرداخته اند. اینجاست که باید با کمال تواضع و فروتنی در برابر خالق هستی به نماز ایستاد و با فریاد جان به پیشگاه مبارکش عرضه داشت: (الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ).

جهان انسان

به شاهکارها و تمامی اسرار خلقت آدمی، تنها آفریدگار بزرگ آگاه است، ولی تا همان مقداری که بشر بر آن علم دارد از صدها کتاب قطور تجاوز می کند. نظامات و قوانین استخوانها، اشکال گوناگون استخوان، استخوان های مسطح، استخوانهای دراز و کوتاه، با مفصل و بی مفصل، مفصل ها، حفرات استخوانی، جدارهای استخوانی، نسج اسفنجی استخوانها، تغذیه استخوانها، ترکیبات شیمیایی آنها، غضروف ها، شکل های گوناگون و عناصر ترکیبی آنها، شرح یکایک عضلات بدن و ماهیچه ها، کیفیت عمل انقباض و انبساط در عضلات، عضلات جبهه، عضلات بالا کشنده یا جمع کننده ابروان، عضله پلک ها، عضلات دماغ، عضلات لبها، عضلات سینه، سلولهای تشکیل دهنده عضلات، نوع سلول ها، برجستگی های زیر پوست یا مراکز قوه لامسه، اسرار درون این برجستگی ها، پاپیل ها، حس ذائقه، مراکز گیرایی آن، پاپیل های زبان، قوه سامعه، تشکیلات گوش خارجی، خیمه گوش، لاله گوش، سوراخ متناسب با گوش، پرده صماخ، مایع سمی درون آن، عناصر ترکیبی این مایع، دریچه های گوش وسطی، مجرای شیپور اُستاش، استخوانهای چکشی، سندان، عدسی، رکابی، گوش داخلی، دهلیز آن، سه نیم دایره استخوانی، لوله ماریچی، مایعات درون هر یک، عناصر ترکیب کننده هر یک از مایعات، قوه شنوایی، صوت، اسرار

صوتی ، امواج ، ارتعاشات موجی ، قوه باصره ، تشکیلات ظاهری چشم ، پلک ، صفوف مژه ، غدد اشک ، مجاری دهگانه اشک ، انتر اشک ، شستشوی چشم با اشک ، کره چشم صلیبه ، قرنیه ، شفافی قرنیه ، کیفیت عبور نور ، مردمک ، رنگ عنبیه ، اسرار این رنگ و رنگها ، شبکیه ، جلیده ، نقش مایع زلالیه ، مایع زجاجیه ، عناصر ترکیب کننده مایعات ، اسرار درون یکایک طبقات چشم ، کیفیت دید ، بحث نور ، معمای نور ، دستگاه عظیم گوارش ، معده ، روده ها ، غذاهای ترشخی ، مرکز صفرا ، دهان ، حلق ، لوله هاضمه ، تشکیلات یکایک آنها ، کیفیت هضم غذا ، دستگاههای تنفسی ، بینی ، حنجره ، قصبه الریه ، نایژه ها ، برونش ، ششها ، حبابهای ریوی ، رگهای خونی ، کیفیت جذب اکسیژن ، علل احتراق ، تولید حرارت ، مقدار حرارت ، اسرار و تشکیلات یکایک آنها ، خون ، اسرار خون ، کیفیت پیدایش خون ، گلبولهای سفید ، گلبولهای قرمز ، عدد هر یک ، دستگاههای گردش خون ، قلب ، اسرار قلب ، شریانها ، وریدها ، مویرگها ، گردش بزرگ خون ، گردش کوچک خون ، دستگاه دفع مواد زائد ، سازمان آن ، لوله کشی بدن ، دستگاه تولید ، نطفه سازی ، ماهیت نطفه و ... که هر یک موضوع علم خاصی و تشکیل دهنده میلیاردها میلیارد اسرار است . البته آنچه را که می بینیم عبارت است از ظاهری از بدن و جسم ، ولی قوای کارگردان این جسم که عبارت است از روح و عواطف و وجدان و اندیشه و اخلاق ، و هزاران قدرت نامرئی ، که در هیچ لابراتواری قابل تجزیه و با هیچ میکروسکپی قابل رؤیت نیست ، برای ما قابل شرح و درک نمی باشد . تنها در برابر این دستگاه باعظمت بدن و روح و نفس که قرار می گیریم پی به این مسئله می بریم که این نظام عبرت آور را ناظم و صاحبی است « خدا » نام ، و باید با کمال خضوع و خشوع در برابر این همه نعمت که به ما ارزانی داشته در مقام سپاسگزاری برآمده و از عمق جان فریاد بزنیم : (اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ) .

اَلرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

با اینکه این دو لفظ در آیه شریفه « بسم الله » بود ، ولی تکرارش بعد از « رَبَّ الْعَالَمِينَ » لطف مخصوصی دارد ، که ربوبیت حق از جهت قهر و غلبه و فشار بر موجودات نیست ، بلکه از جهت رحمت عام و خاص است ، که موجودات در پرتو این دو حقیقت پرورش می یابند و هر مربی و معلم و حاکمی آن گاه تربیتش به ثمر می رسد که با مهر و محبت باشد و نظام تربیت خلق با خالق و انسان و جهان هماهنگ شود . این اتصال ربوبیت حق نسبت به موجودات و بخصوص انسان ، که اتصالی است دائم و همیشگی و شامل زندگی دنیا و آخرت ، نه بر سیل قهر و غلبه بلکه از راه عنایت و لطف و مرحمت و محبت است . پس مدح و شکر آن وجود مقدس ، در حقیقت پاسخگویی به ندای فطرت در برابر رحمانیت و رحیمیت اوست .

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

انسان دارای گوهر پربهای آزادی و اختیار است . آزادی و اختیار داشتن در نیت و عمل ، بهترین علت برای ارزش پیدا کردن حالات باطن و حرکات ظاهر است . چنانچه اراده و عمل به مقتضای قواعد فطری و خدایی و وجدانی از انسان صادر گردد ، مقتضای اجر و مزد و ثواب عالی است ، و اگر نیت و عمل بر مبنای صحیح صادر نگردد ، چون ظلم به خود و دیگران است ، مقتضای عذاب و عقاب است . علت ثواب و عقاب همین آزادی در نیت و عمل است ، و این را نه فقط شرع و شارع حق می داند بلکه عقل و منطق و حکمت و فطرت هم قضاوتش همین است ، که موجود آزاد باید در برابر نیکی و اخلاص پاداش ، و در برابر بدی و نیت سوء عقاب و عذاب ببیند . به همین خاطر حضرت حق روزی را به نام « روز دین » برای پاداش نیکوکاران و عذاب بدکاران قرار داده و زمام تمام امور آن روز را به دست با قدرت خود می داند : « مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ » . در اینجا این پرسش مطرح می شود : مگر خداوند مالک هر روز نیست ؟ مگر جزای عمل نیک و بد مخصوص به دنیای دیگر است ؟ مگر انسان در همه لحظات ، چه از طریق وجدان و چه از طریق عکس العمل عمل خویش ، در دنیای درون و برونش در معرض پاداش و عقوبت نیست ؟

باید گفت: چرا، خداوند مالک همه لحظات است و آدمی هم در برابر هر عمل نیک و بدی بلافاصله در معرض اجر و عقوبت است. به هنگام کار نیک انبساط درون برایش حاصل می شود، و این خوبی و نیکی برای او در بیرون عامل کسب آبرو و اعتبار اجتماعی می گردد، و به وقت کار بد گرفتار تازیانه وجدان می شود و عکس العمل اجتماعی خطرناکی برای او حاصل می گردد. ولی این اجر و عقوبت نسبت به عملی که داشته کامل نیست بلکه نسبی است. به علاوه، در برابر بعضی از اعمال راه فرار از عقوبت دارد، و از طرفی چه بسا که انسانی سراپا نیکوکار باشد ولی در دنیا به مزد واقعی اش نرسد. در این زمینه به حیات پربرکت انبیا و ائمه و عاشقان راه حق نظر کنید که سراسر مثبت بود، و در برابر مخالفان چه زجرها و مصائبی که به آنان وارد نشده و عاقبت هم بدون رسیدن به اجر و مزد متناسب با ایمان و اعمال و اخلاق الهی خود از دنیا رفتند. همچنین به حیات ننگین ستمکاران تاریخ توجه کنید که بدون چشیدن کمترین غذایی در برابر آن همه جنایت در کمال راحت و آسایش جان دادند. پس روز دیگری لازم می آید که در آن روز، نیکوکاران به پاداش واقعی، و بدکاران به جریمه حقیقی خود برسند و کسی جز حضرت حق دخالتی در آن روز نداشته باشد و مجرم برای فرار عقوبت راهی پیش پای خود نبیند، و آن روز به نام روز دین نامیده شده و احدی جز حق در اوضاع آن روز دخالت ندارد و این همه مفهوم آیه شریفه «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» است. قرآن مجید متجاوز از هزار آیه در تجزیه و تحلیل روز جزا دارد که گوشه ای از آن روز را در آیات اول سوره غاشیه چنین می خوانیم: * آیا سخن روز فراگیرنده به تو نرسیده؟ در آن روز چهره هایی بی اعتبار و ورشکسته و ترساننده، زیرا در دنیا بیهوده کار کرده و عبث رنج برده اند. اینان به آتشی سوزان می رسند و از چشمه ای بسیار داغ و جوشان چشانده می شوند. در آنجا غذایی بجز خار سخت ندارند که آن غذا فربه و سیرشان نمی کند. و کسانی که در آن روز در نعمت اند و از کوشش خویش خوشنود. در بهشت برین هستند که در آنجا یاه و بیهوده نمی شنوند، و در آن چشمه سارهایی روان باشد و تخت های رفیع و قدحهای آماده و پشتیها و فرشهای گسترده برای استراحت. و نیز گوشه ای از آن روز را در سوره مبارکه ذاریات بدین صورت قرائت می کنیم: * مرگ بر دروغگویان! همان کسانی که در گردابی از بی خبری هستند. می پرسند رستاخیز و روز پاداش چه وقت است؟ روزی که به آتش درافتند و درگیر شوند. عذاب خود را بچسبید. این است آن چیزی که به شتاب طلب می کردید. به راستی پرهیزکاران در باغات و چشمه سارها دریافت کننده بخشش پروردگار خویش اند. اینان در دنیا نیکوکار بودند، کمی از شب را می خوابیدند و سحرگاهان با راز و نیاز از خداوند آمرزش می خواستند و از درآمد و دسترنجشان برای مستمندان و بینوایان سهمی قرار می دادند. اَيَّاكَ نَعْبُدُ وَاَيَّاكَ نَسْتَعِينُ عبادت و بندگی مفهوم وسیع و گسترده ای دارد که خضوع و تواضع و به خصوص تسلیم در این مفهوم قرار گرفته و یا لازمه آن است. انسان وقتی از برکت تفکر و اندیشه به ربوبیت و مالکیت و رحمت و محبت بی پایان ناظم و مدبر و معمار هستی پی برد، هیچ گاه تسلیم غیر او نمی شود و بند بندگی دیگران را به گردن نمی نهد. انسان وقتی به این معنا واقف شود که جز حضرت الله وجودی بالاستقلال در دار هستی نیست، چه معنا دارد که غیر او را مورد پرستش قرار دهد؟ غیر اگر جماد است جزئی است کوچک از اجزاء هستی. اگر حیوان است موجودی است ناچیز در گوشه ای کوچک از عرصه گاه حیات. اگر انسان است فقیر و نیازمند و دردمند و مستمندی است چون خود شما. پس جایی برای پرستش و اطاعت و عبادت غیر نمی ماند، که روی آوردن به غیر عین کفر و شرک و درحقیقت بت گرایی و بت پرستی است و عبادتی که جز ضرر و خطر چیزی عاید زندگی انسان نمی کند. این عبادت واقعی که با جمله «اَيَّاكَ نَعْبُدُ» در نماز اعلام می شود، عبارت است از به اجرا گذاشتن تمام دستورهای حق و پیامبران و امامان و فقیهان واجد شرایط و کناره گیری از محرمات و آنچه حضرت حق بر انسان نمی پسندد. بی شک، پیمودن راه عبادت صحیح بدون رفع موانع، و رهایی از قید و بند اوهام و مکتبهای غلط، و آزادی از هوی و هوس، و سرپیچی از اوامر و نواهی طاغوت و طاغوتیان امکان ندارد. انسان با این عجز و فقری کهخ دارد، بدون کمک خواهی از خداوند نمی تواند با این همه موانع به مبارزه برخیزد. این است که در راه عبادت باید از خدا کمک خواست تا اموری مادی و معنوی را برای جبران ضعف

و ناتوانی انسان با او همراه کند ، و البته توجه به پروردگار و کمک خواهی از حضرتش ، در حقیقت جلب کشش و لطف و دستگیری اوست .

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

هدایت ، راهنمایی با مهر و محبت و صلاح است به سوی مطلوب و مقصود ، و آن بر چند نوع است : هدایت طبیعی یا تکوینی که شامل کلیه موجودات کیهانی و عناصر عرصه گاه شگفت انگیز آفرینش است . هدایت غریزی و احساسی که مخصوص موجودات جاندار و یا شامل موجودات صاحب نفس است . هدایت وجدانی ، عقلی ، احساسی ، دینی که شامل انسانهاست ، و هدایت دین کامل ترین هدایت برای آدمی است که او را به سوی سعادت دنیا و آخرت سوق می دهد . عبده مفسر مصری می گوید : در آیه شریفه (وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ) (۷) به انواع هدایت نسبت به انسان اشاره دارد : ما انسان را به سوی دو راه آگاهی دادیم : راه خیر ، راه شر . راه سعادت ، راه شقاوت . حضرت حق از طریق دین ، عقل ، وجدان و احساس انسان را از دو راهی که در برابر اوست آگاهی داده و به خیر و شرّ و سعادت و شقاوت هدایت می کند . « صراط » جاده عمومی رو به خیر است و موصوف شدنش به مستقیم اسراری دارد که از حوصله این رساله خارج است . « صراط مستقیم » در برابر هر راه کجی است که راهروش را به خزی دنیا و عذاب آخرت دچار می کند . صراط مستقیم در حقیقت عبارت است از راه دین ، مرز حق ، راه عدل ، و حوزه و حدود مقررات الهی که در قرآن و سنت ترسیم شده و اجرای آن مقررات آدمی را به قرب حق رهنمون گردیده و از فیض و عنایت و رحمت الهی در دو جهان بهره مند خواهد کرد . انسانی که می خواهد در این راه پیش برود ، باید مجذوب و منطبق با محیط و محکوم آن نگردد و پیوسته محیط فکری و روحی خود را تغییر دهد و در خط مستقیم ، که همان دین خداست و ضامن خیر دنیا و آخرت ، قرار گیرد ، و از انحراف بپندیشد - چون پیوسته در معرض گمراهی و غفلت است - و این دعا و درخواست را هم « اهدنا الصراط المستقیم » همیشه به یاد داشته باشد تا خود مشمول عنایت و مشیت مخصوص مبدأ کمال و هستی گردد .

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

راه آنان که نعمت به آنها عطا شد - چه نعمت مادی و چه معنوی - و همه آن نعمت ها را در راه سیر در صراط مستقیم به عنوان توشه راه مصرف نمودند ، که قرآن مجید در آیه ۶۹ سوره نساء این بزرگواران را انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین معرفی می کند . مراجعه به قرآن مجید شما با دارندگان نعمت حق - نعمتی که در این قطعه از نماز یاد شده است - آشنا می سازد و آنان را که در این قطعه از نماز یاد شده است آشنا می سازد و آنان را که باید در تمام شؤون زندگی اسوه شما باشند با شما معرفی می کند تا بدانید راهروان راه مستقیم چه انسانهایی بودند و در ایمان و اخلاق و عمل از چه موقف عظیمی بهره داشتند .

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ

غضب شدگان مردمی هستند که با شناخت حق و یافتن راه ، به عناد و لجاج و دشمنی برخاستند و مسیری غیر راه الهی انتخاب کردند ، که با کمک آیات قرآن می توان گفت مصداق اتم این جمله یهودند که دانسته راه خطا می روند و به انواع آلودگی ها و مفاسد و جنایات دچار هستند . مطالعه وضع حزب پلید صهیونیسم و اوضاع اسرائیل نشان دهنده این معناست که این گروه دچار غضب حق اند . آری ! اخلاق و اعمال و رفتار و حرکات و آثار باطنی و ظاهری انسان نشان دهنده جهت گیری حق نسبت به آدمی است .

وَلَا الضَّالِّينَ

آن مردمی که کج فهم هستند، دین را غلط یافته و برای خود راه خدا را تفسیر می کنند و مسیر کمال را در آنچه خدا نمی پسندد می انگارند و برای شناخت حق، سر از معیار و میزان برتافته و آنچه می خواهند انجام می دهند. مصداق روشن گمراهی، نصاری هستند، و شاید توجه به غرور علمی و صنعتی آنان - به خصوص در این روزگار - شما را به این معنا رهنمون شود که اینان مسیر را آن می پندارند که با تکیه بر دانش و صنعت خود ترسیم می کنند و به راه خود ساخته و یا به آنچه که از دین به رأی خود تفسیر می کنند عمل می نمایند. البته غضب شدگان و گمراهان فقط یهود و نصاری نیستند بلکه هر قشر و طایفه ای که از راه خدا جدا باشد و سر از معیارهای الهی برتابد، به نسبت شدت و ضعف وضعش مغضوب و گمراه است. بی تردید، اگر نماز گزار داری اخلاق و عمل یهود و نصاری و مردم منحرف باشد، مغضوب و گمراه است. علامت اتصال به نماز حقیقی، داشتن آثار و صفات انبیا و صدیقین و شهدا و صالحین است. امام علی بن ابی طالب (علیه السلام) جمله «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ» را بدین گونه توضیح می دهد * آن توفیق که در گذشته روزگار ما را به پیروی از تو موفق کرد پیوسته دار تا در آینده هم از تو اطاعت کنیم. حضرت صادق (علیه السلام) در ترجمه این آیه می فرماید: * ما را به ملازمت راهی رهنما باش که به دوستی تو و به بهشت رساند، و از هواها و آرایبی که ما را دچار رنج می گرداند باز دار. از رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) و امیرالمؤمنین (علیه السلام) روایت شده که صراط مستقیم یعنی قرآن. از امام ششم (علیه السلام) آمده که صراط مستقیم یعنی معرفت امام. روی هم رفته، در سوره مبارکه حمد آثار مهمی از قبیل توحید، نبوت، امامت، معاد، حقوق حق و خلق، اتکای با الله، دلالت به راه خدا، و نفی بت و بت پرستی به چشم می خورد، که نماز گزار در این سفر و معراجی که دارد باید به تمام زوایایش با تمام وجود توجه کند، تا با خواندن یک نماز واقعی، به تمام آن حقایق آراسته گردد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ترجمه و توضیح این آیه شریفه در صفحات قبل از گذشت.

قُلْ هُوَ اللَّهُ

حقیقت عبادت، اظهار بندگی و خضوع و خشوع قلبی و شکر انعام و احسان است. با توجه به این معنا، پرستش به معنای جامعش جز در برابر مولا - و پروردگار و اربابی که واقعاً جمیع نعمت ها از اوست جایز نیست. وجود مقدسی را باید عبادت کرد که ما را وجود بخشید و پرورانده و روزی داده است. وجود مبارکی را باید عبادت کرد که آفریدن، خلق کردن، حیات دادن، شعور بخشیدن و روزی دادن وقف حریم مقدس اوست. خداوندی که دارای علم و قدرت، حکمت و سطوت، رحمت و محبت است و نشانه ها و آثار قدرت و حکمتش در همه کائنات و مخلوقات دیده می شود. قدرتش بی نهایت، و علم و حکمتش کامل، و رحمت و لطفش بر تمام زوایای هستی اشراف دارد. قدرتی است بدون ضعف و علی است بدون جهل و خلاصه وجودی است مستجمع جمیع صفات کمال، که این همه از لفظ الله فهمیده می شود.

أَحَدٌ

وجود مبارک و مقدسی که به هیچ صورت قابل تعدد و کثرت نیست و به قول حضرت امیر (علیه السلام): وحدت حق وحدت عددی نیست، زیرا واحد یعنی بیشتر از نصف و کمتر از دو، و چنین معنایی بر خدا روا نیست. واحد بودن خدا یعنی بی جزء و بی

شریک و بی مانند بودن او، که حضرت او در ذات و افعالش یگانه است. بنابراین، «الله» بر همه صفات ثبوتیه و کمالیه از علم و قدرت و حیات و ادراک و تدبیر دلالت می کند، و لفظ «احد» منزّه بودن خداوند را از صفات سلبيه و از نقص و عیب می رساند و می فهماند که جسم نیست، مرکب و حادث نیست، حلول کننده در چیزی نیست، و مانند و شریک و ضدّ و ندّ برای او نیست.

اللَّهُ الصَّمَدُ

آقای بزرگواری که تمام موجودات هستی در تمام نیازها روی به سوی او دارند و به او تکیه کنند و بدو توجه نمایند و بدون او کاری انجام نگیرد. به قول حضرت سید الشهداء و امام سجّاد و حضرت باقر و حضرت صادق (علیهم السلام) کسی که آقای و بزرگی و شرف و سیادت در او در نهایت کمال است، کسی که دائم و همیشگی است و همواره بوده و خواهد بود، فرمانروای بزرگی که فوق او امر دهنده و نهی کننده نیست و قائم به ذات و بی نیاز از غیر است. مرحوم علامه مجلسی در مرآة العقول که از مهمترین کتب علمی و فنی شیعه است در تفسیر حدیثی از اصول کافی در این زمینه می فرماید: * صمد در حقیقت، عبارت از وجوب وجود و بی نیازی مطلق او، و احتیاج عموم کائنات در جمیع امور به اوست. یعنی مبدأ کل و مرجع عموم و پناهگاهی که هر کس هر حاجتی دارد و هر چه بخواهد او قادر به انجام حاجت و بخشیدن خواسته اش هست و از آنچه همگان نیاز به آن دارند چیزی را فاقد نیست و سزاوار است که همه کس به خشوع و پرستش متوجّه او شوند.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

نزاده است و زاده نشده. و تردیدی نیست که اگر خداوند فرزندی بزاید، لازمه اش این است که خود از دیگری طبق قوانین طبیعی زاده شده باشد و اگر از دیگری زاده شده باشد، محدود می شود. یعنی ازلی نخواهد بود و پیش از ولادت نبوده و بعد به وجود آمده، و چنین موجودی نمی تواند خدا باشد. این قطعه از نماز ردّ بر تمام مشرکان و اهل کتاب است، زیرا آنان مدّعی فرزند داشتن خدا بودند. مشرکان فرشتگان را دختران خدا می پنداشتند، و یهود عزّیر را و نصاری مسیح را پسر خدا می دانستند. این است که بر ردّ عقاید آنان فرمود: خداوند نزائیده و نه پسر، نه دختر و نه چیز دیگر، و بعد چون اینان برای همین پسران مقام خدایی قائل شده و به پرستش آنان پرداختند می گوید: خدا نمی شود زائیده شده باشد، پس عیسی که زائیده شده از مریم است خدا نیست.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

و هیچ کس همتا و همانند و برابر او نیست، چون تمام موجودات در همه برنامه هایی که دارند محدودند، و او در ذات و صفات بی نهایت در بی نهایت است و کسی را در هیچ برنامه ای یارای برابری با او نیست بلکه تمام موجودات متکی به اراده و قدرت حضرت او هستند.

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

رکوع همراه با این ذکر ملکوتی و آوای روحانی رکنی بزرگ از ارکان نماز و نشان دهنده تواضع عبد نسبت به حق است. رکوع به این معناست که: ای مولای من و ای آقای کریم! اینک بنده ات در برابرت سر فرود آورده و برای پذیرفتن تمام دستورهای تو آماده است، و خم شدنش به این معناست که آنچه بار مسؤولیت اراده داری برای گرده اش بگذارد. حضرت صادق (علیه السلام) می فرماید: * اگر نمازگزار حق رکوع را اینچنین بجای آورد، خداوند بزرگ دلش را به نورانیت بهاء خود منور کند و

خانه قلبش را به آن نور زینت دهد. رکوع کننده باید در رکوع محو عظمت دوست شود و غیر او را حقیر و کوچک ببیند. خداوند مهربان چنین رکوع کننده ای را که متصف به خشوع و خضوع است در سایه بزرگواری خود جای دهد و او را به لباس برگزیدگان از اولیایش بیاراید. حضرت در ادامه سخنانش می فرماید: * رکوع کن اما با قلبی که از خشوع نسبت به حق، یعنی بیم و ترس از او، پر باشد مانند ترس آن کس که گردنش زیر شمشیر قرار دارد. در حال رکوع، اعضا و جوارحت را از حرکات بیهوده باز دار تا از فواید رکوع راکعین بهره مند شوی. به هنگام رکوع به مانند حال حمد و سوره، دل از وسوسه و فریب شیطان دور دار، زیرا خداوند هر کس را که عجز و انکسارش بیشتر باشد، عزت بیشتر می دهد و بی تردید راه یافتن به منزل تواضع و خضوع و فروتنی و بیم و ترس از مقام حق، به اندازه آگاهی انسان نسبت به عظمت و جلال مولا است. هر چه معرفت بیشتر باشد، تواضع و فروتنی به آن آستان بیشتر است. اینجاست که پس از یافتن کوچکی جهان و موجوداتش و توجه به عظمت بی نهایت در بی نهایت مولا، یک مرتبه در حال رکوع فریاد برمی داری: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ». منزّه از هر عیب و نقصی است مالک و پرورش دهنده بزرگ من، و من به کمک و یاری او سپاسش می گزارم و حضرتش را آن طور که حق اوست می ستایم.

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

این جمله را پس از سر برداشتن از رکوع، در حال استقرار بدن به زبان جاری می کنی که: خدای من شنوا و پاسخگوی سپاس و ستایش من است.

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

سجود منتهای فروتنی و افتادگی عبد است در برابر معشوق حقیقی. و چه بهتر که ترجمه و توضیح سجود را نیز همانند رکوع از حضرت صادق (علیه السلام) بشنویم: * زیانکار نیست و با زیانکاران محشور نمی شود کسی که حق سجده را اگر چه در تمام عمر یک بار بجای آورده باشد، و رستگاری ندارد کسی که در حال سجود با حیثیت حلوت کند. ولی از واقعیت و حقیقت برنامه دور باشد، سجده کند ولی خود را گول بزند، سجده کند اما از بشارت الهی نسبت به بندگانش که سعادت در دنیا و بهشت در آخرت است غافل بماند. دور نیست که عنایت دوست آن بنده ای که از کانال سجده خود را به مقام قرب می رساند و به عمل و کار خود توجه دارد و بساط کبریایی را با سجده می بوسد و می داند که ستایش چه وجود مقدسی را به زبان جاری می کند، و چه دور است از لطف محبوب آن کس که در سجده غافل از اوست و ادب و آداب سجده را رعایت نمی کند و به جای متذکر شدن حق و حقیقت، غافل می ماند و حرمت مولا را نگاه نداشته و دل به غیر او می بندد. آری، سجده کن اما در نهایت تواضع و ذلت، سجده ای که آگاهی و شعور آن را همراهی کند. آگاهی به اینکه خاکی که پیشانی بر آن داری و هزاران پای بشر و موجود زنده غیر بشر بر آن گذاشته شده ماده اصلی آفرینش توست. همین خاک بود که تبدیل به نطفه وجود تو شد، نطفه ای که همه از بویش فرار می کردند. آری، ذره ای گمشده در جهان خاک بودی، او با لطف و کرم خودش به وجودت آورد، و همین جسم و بدن را که ساخته و پرداخته است دوباره به خاک برمی گرداند و آن گاه برای جزا دادن از همین خاک تو را به قیامت خواهد کشید. سجود را برای این قرارداد که با دل و جان و همه حواس و قوا در مقام و عظمت او فانی شود و جز او کسی را نبینی. آری! هر چه به او نزدیک شوی از غیرش دور گردی. همچنان که در حال سجود دیده ات چیزی را نبیند، باید دلت نیز چیزی را نبیند. تأسف باد بر کسی که در نماز و به خصوص در سجده دل در گرو غیر دارد، و در حقیقت به غیر دوست نزدیک می شود و از حضرت محبوب دور می گردد! در قرآن مجیدش فرموده: * «برای کسی دو دل قرار ندادیم» تا با یک دل رو به خدا باشد و با دل دیگر متوجه غیر. آری! یک دل است و باید روی آن متوجه یکی باشد: خدا و بس. رسول الهی می فرماید: * دلی که

متوجه اوست ، همو متکفل صاحب اوست . کسی که در نماز مشغول به غیر خداست ، خود را مسخره کرده و در زمره زیانکاران است . پس از اینکه هفت موضع بر زمین قرار گرفت و دل و جان در گرو عشق معشوق رفت ، از شدت اتصال فریاد عاشقانه از قلب و زبان برمی آید که : « سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ » . آری ! از هر عیب و نقص منزّه و پاک است صاحب و پرورش دهنده اعلای من ، و این منم که به کمک او به ستایش و سپاسگزاری مشغولم .

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

این جملات زیبا و ملکوتی در رکعت سوم و چهارم خوانده می شود . معنای « سُبْحَانَ » در توضیح رکوع و سجود ، و تفسیر « الْحَمْدُ لِلَّهِ » در حمد و سوره و « اللَّهُ أَكْبَرُ » در ابتدای نماز گذشت . اَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ پس از کسب آن همه معرفت از برکت توجه به تکبیرة الاحرام و حمد و سوره و رکوع و سجود ، اکنون وقت آن است که تمام هستی نمازگزار به یگانگی و وحدانیت حضرت او شهادت دهد که معبودی جز او نیست و برای او شریکی وجود ندارد . اقرار به توحیدی که دارای سه رکن اساسی است : توحید در عقیده و ایمان ، توحید در ابلاغ ، توحید در عمل و حرکت .

وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

بعثت و رسالت انبیا در بین مردم به این خاطر بود که فرهنگ سعادت بخش حق به مردم ارائه شود ، و انسان ها در عقیده و عمل همانند انبیا رشد کنند . قواعد تربیت و تکامل و رشد و سعادت برای رسیدن به دست مردم کانالی جز بعثت انبیا ندارد . اقرار به نبوت انبیا و به خصوص خاتم پیامبران ، و پیروی از دستورهای او و نفی هر فرهنگی که ضد فرهنگ اوست ، لازمه ایمان و تحقق نماز واقعی است .

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

الهی ! بر چنین پیامبر بزرگی که بیست و سه سال مبلغ رسالات تو بود ، و بر آلش که هموزن قرآنند و در چهره امامت مسیر رسالت را پیمودند ، درود فرست و لطف خاص خود را شامل این راهنمایان راه توحید و نجات دهنده بندگانت فرما .

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

در پایان این سفر ، که ملکوتی ترین سفر انسان به سوی خداست ، آنچنان فکر و روح اوج می گیرد که آدمی خود را در برترین مقام معنوی مشاهده می کند و بین خود و خارواح مقدسه جدایی و فاصله نمی بیند . اینجاست که برای سلام به پیامبر بزرگ هیچ نیازی به ضمیر غایب احساس نمی کند . جدایی وجود ندارد که بگوید « السَّلَامُ عَلَيْهِ » ، بلکه مقام ، مقام قرب و یگانگی و حضور و مشاهده است . نماز با شرایط ، انسان را با رسول خدا (صلی الله علیه و آله وسلم) روبرو می کند و در این رو در رویی است که نمازگزار می گوید : درود بر تو ای پیامبر رحمت ! و برکت خدا بر تو ای صاحب رسالت !

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَ عَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

شایستگان از عباد خدا ، آن مردمی هستند که دل آنان آینه انعکاس توحید است . یکتا نگر ، یکتا گو و یکتا شناسند و در عمل جز به فرمان مولا- نباشند . اینان واجد تمام کمالات ایمانی و اخلاقی و عملی اند . وجودشان منبع برکت ، و نسبت به دیگران چراغ هدایت اند . نوربخش به زندگی و فروغ جاوید تاریخ حیاتند . اگر اینان نبودند صفحات تاریخ حیات آبرو نداشت . قرآن مکرر از

اینان به عنوان دارندگان ایمان، هدایت، نماز، زکات، حج، روزه، تولی، تبری، امر به معروف، نهی از منکر، بیداری شب، خدمت به خلق، جهاد همه جانبه، محبت به مردم، رعایت یتیم، دستگیری از افتاده، اطاعت از خدا و پیامبر، و امام، رعایت حقوق پدر و مادر و اقوام، باطن پاک، تلاوت قرآن، راستی، درستی، امانتداری، نظم، کظم غیظ، حق جوئی، پاکی و... یاد کرده است. اینجا که نماز گزار می خواهد بگوید سلام بر ما و عباد شایسته، باید توجه داشته باشد که خود را از اوصاف عباد صالح بی بهره نباشد که خدای ناخواسته از معنویت نمازش کاسته شود.

الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَکَاتُهُ

در نقطه پایانی این سفر ملکوتی و پیوند آسمانی است که تمام پرده ها و فاصله ها و جداییها بین انسان و رسول اکرم و عباد شایسته و صالح و ملکوت داشته شده و انسان فقط ناظر و حاضر پاکان و پاکیهاست و بین او و واقعیتها هیچ مانعی وجود ندارد. راستی نماز چه قدرت آفرین است، چه رشته اتصال عجیبی است، چه دنیایی است، چه سفر پر خیر برکتی است. قدرت پرواز انسان در نماز چه اعجاب انگیز است. آدمی را از همه پستیها و آلودگی ها جدا کرده و به اوج رفعت و عظمت می رساند، آنجا که انسان فقط رویارویی با انبیا و عباد صالح و ملائکه حق است، که در این رویارویی و برخورد، واجب شده انسان به همه آنها سلام کند و درود فرستد، آن هم سلام خطایی نه سلام غایبانه: «الْسَّلَامُ عَلَیْكُمْ». حضرت صادق (علیه السلام) در توضیح سلام پایان نماز می فرماید: * حقیقت سلام در پایان هر نماز، اعلام ایمنی از عذاب خداست. و اشارت بر اینکه هر کس به ادای حق حضرت معبود برخیزد و واجبات الهی و سنن خدایی را با رعایت شرایط و با کمال خضوع و خشوع بجای آورد، از خزی دنیا و عذاب آخرت در امان است. سلام نامی است از نامهای خداوند که آن را در بندگان خود به امانت گذاشته و مفهوم آن عبارت از عدم میل از حق به باطل است. این عدم میل، و در حقیقت حفظ درستی و سلامت، باید در تمام معاملات و روابط و برخوردهای اخلاقی به وسیله همه مردم رعایت شود. هر انسانی در تمام شؤون حیات باید از انسان نماز گزار در امان باشد. سلام، به حقیقت، عبارت است از رعایت عدل و انصاف و پرهیز از ظلم و ستم به وقت بخورد با مردم. رعایت این حق امانت آن وقت به ظهور می رسد که نماز گزاران با یکدیگر از سر صدق و آشتی و محبت و عشق در آیند و از مکر و حيله و خیانت و غدر و دغلی بپرهیزند. حضرت صادق (علیه السلام) گفتار خود را این چنین ادامه می دهد: * اگر می خواهی سلام به جای خود قرار بگیری و یا به مقتضای آن عمل شود، از خدا بترس و از کردار ناپسند و اعمال خلاف کناره گیری کن، عقل و دین و دل را از کدورت و تیرگی معاصی برکنار دار، ضبط کنندگان اعمال خود را که کرام کاتبین هستند با کردار ناپسند آزار مده و آنان را در رنج و ناراحتی و وحشت مبر، چنان زندگی کن که دوستان و رفقا و تمام مردم از تو در سلامت باشند، و با دشمن با عدل و داد رفتار نمای، که اگر کرام کاتبین و نزدیکان و دوستان از تو در امان نباشند وای به حال دیگران هر کس به مقتضای سلام رفتار نکند - یعنی وجودش برای خود و دیگران منبع سلامت و بخش امان نباشد - در سلام کردن دروغگو است، فرقی ندارد که در نماز سلام بدهد یا در غیر نماز سلام کند. الهی! به لطف و کرم و به آبروی عاشقان جمالت و به عارفان شوریده بر بساطت، ما را در این سفر معنوی و سیر و سلوک ملکوتی کمک کن تا به معراج قرب نایل گردیم و به ملکوت غیب اتصال پیدا کنیم و موفق به نمازی شویم که انبیا و امامان و اولیای به آن نایل شدند. جامی شاعر معروف درباره نماز امام عاشقان و مولای عارفان و سر حلقه مجاهدان می گوید: شیر خدا شاه ولایت علی صیقلی شرک خفی و جلی روز اُحد چون صف هیجا گرفت تیر مخالف به تنش جا گرفت غنچه پیکان به گل او نهفت صد گل محنت ز گل او شکفت روی عبادت سوی محراب کرد پشت به درد سر اصحاب کرد خنجر الماس چو بنداختند چاک به تن چون گلش انداختند غرقه خون غنچه زنگارگون آمد از آن گلشن احسان برون گل گل خونش به مصلی چکید گشت چو فارغ ز نماز آن بدید اینهمه گل چیست ته پای من ساخته گلزار مصلای من صورت حالش چو نمودند باز گفت که

سوگند به دانای راز کز الم تیغ ندارم خبر گر چه ز من نیست خبردارتر طایر من سدره نشین شد چه باک گر شوم تن چو قفس چاک چاک جامی از آرایش تن پاک شو در قدم پاک روان خاک شو شاید ازین خاک به گردی رسی گرد شکافی و به مردی رسی از بزرگان دین شنیده ام که آخوند ملاً محمّد کاشی که از اساتید بزرگ حکمت الهی در اصفهان بود ، و نیز مرحوم آیت الله آقا سید محمّد باقر دُرچه ای از اول نماز تا پایان سلام یک لحظه از گریه شدید و ریختن اشک از شوق و هیبت حق متوقف نبودند . آیت الله العظمی بروجردی (رضی الله عنه) - که خود در نمازش شرکت کردم - ذکر رکوع و سجود را در عین کهولت سن ، هفت بار با حالتی خاضعانه و خاشعانه تکرار می کردند . صفوان بن یحی از اصحاب حضرات رضا و جواد و هادی (علیهم السلام) بود روزه و نماز عمر خود و دو نفر از دوستانش را در عین اینکه بجا آورده بودند قضا کرد . حضرت آیت الله حاج سید احمد خوانساری که بیش از نود سال عمر کرد سه بار معادل ۲۴۰ سال نماز عمر خود را تکرار کرد ، در عین اینکه تمام نمازهای یومیه اش را از قبل از به تکلیف رسیدن با شرایط بجا می آورد . مرحوم حاج آقا حسین فاطمی که از اساتید اخلاق حوزه عملیه قم بود ، از استاد خود مرحوم ملکی تبریزی مسائل عجیبی نقل می کرد ، از جمله فرمود در روز عید قربان اول ظهر در حالی که اشک از دیده می ریخت با گفتن تکبیره الاحرام به سوی قرب جانان به پرواز درآمد . حضرت امام خمینی (قدس سره) از عباد و زهاد زمان بود . او در عین انواع گرفتاری های اجتماعی و سیاسی برای یک بار از رسوم عبادات واجب حتی مستحباتش کاسته نشد . سید محمّد باقر حجه الاسلام معروف به شفتی تمام نمازهای خود را با خضوع و همراه با گریه و ناله می خواند و حتی ذکر رکوع و سجود را در نمازهای مستحب سه بار می گفت شیخ انصاری معروف به شیخ اعظم از سنّ بلوغ تا آخر عمر عباداتی که انجام می داد ، گذشته از فرائض و نوافل شبانه روزی و ادعیه و تعقیبات ، عبارت بود از : قرائت یک جزء قرآن ، نماز جعفر طیار ، و زیارت جامعه و زیارت عاشورا در هر روز . حکیم سبزواری هر شب در زمستان و تابستان و بهار و پاییز می پرداخت و هر شب از اول شب به مقدار سه ساعت خدا را بندگی می کرد . این برنامه ها نمونه ای بود از عبادات آنان که دارای مقام نبوت و امامت نبودند ، عبادات انبیا و امامان چگونه بود خدا می داند ! پاورقی ۱ - شعراء (۲۶) : ۸۸ - ۸۹ . ۲ - وسائل الشیعه : ۱ / ۳۳ ، باب ۵ . ۳ - اعراف (۷) : ۱۷۹ . ۴ - اعراف (۷) : ۵۶ . ۵ - کشف الاسرار : ۱ / ۲۹ . ۶ - تفسیر کبیر : ۲۲۹ . ۷ - بلد (۹۰) : ۱۰ .